



رهایی طالبان و افزایش خشونت‌ها؛

روزهای خونین نظامیان افغان در زون غرب



یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که در جریان حدود سه هفته، ۳۰ نیروی امنیتی افغان به دنبال حملات طالبان در ولایت‌های هرات و بادغیس کشته یا زخمی شده‌اند. در حالی که طی روزهای اخیر زندانیان طالبان از بند رها شده‌اند، اما افزایش خشونت‌ها نگرانی‌هایی را به دنبال داشته است. ولایت‌های زون غرب کشور طی روزهای گذشته گواه افزایش کم‌سابقه‌ی خشونت و شدت گرفتن حملات طالبان بوده است. طی دست‌کم سه هفته‌ی پسین، طالبان در ولایت‌های هرات و بادغیس، حملاتی را بر مواضع نیروهای امنیتی انجام داده‌اند و در ولایت غور نیز، حملات‌شان عقب زده شده است.

۲



ارزیابی تازه میک؛

استخدام غیر اصولی و مداخله غیر قانونی در بخش مالیات و گمرک‌ها فسادزا است

۳

وزارت دولت در امور حوادث: خطر سیلاب یک میلیون شهروند را تهدید می‌کند

۲

مصارف و بدهی؛ چگونه اقتصاد را متاثر می‌سازند

اقتصاد، همانند ماشین ساده کار می‌کند مگر بسیاری از دانشمندان این رشته، بالای سیستم کاری آن توافق نظر ندارند و به این لحاظ مشکلات زیاد در پروسه درک و اثرگذاری آن به وجود می‌آید. اقتصاد شاید مغلق به نظر آید مگر هم‌مانند یک سیستم می‌خانیکی ساده فعالیت می‌کند که متشکل از چندین پارچه‌ی ساده و معاملات است که بارها و بارها تکرار می‌شود.

۵



معمای تقاضا برای جرم



در این چند سال جرایم مربوط به سرقت‌های مسلحانه موتور، موتورسایکل، موبایل و خالی کردن جیب‌های مردم، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و به طرف غیر قابل کنترل شدن روان است. گذشته از این که این گروه‌ها ماهیتاً مافیایی، انفرادی، شوقی و یا میراثی هستند، باید بگوییم این گروه‌ها با جنایات‌شان در پهلوی...

۴

شیوه‌های منفی سیاست قوم‌گرایی



همه‌ی دولت‌ها معمولاً بدون آن که اعترافی داشته باشند و گاه بدون این که خود آگاه باشند، دارای سیاست‌های قوم‌گرایانه‌اند. روی همین محلو است که امروزه شاهد اصلاحات مثبت زیادی در این زمینه در جهان معاصر هستیم. البته بدبختانه انفعال در این زمینه هنوز رایج است و...

۶

نیروهای هوایی تجمع بزرگ سرن طالبان را در سرپل هدف قرار دادند

۸ صبح، کابل: مقام‌های محلی در ولایت سرپل و ارتش در شمال اعلام کرده‌اند که یک نشست بزرگ سرن طالبان در ولسوالی سوزمه‌قلعه‌ی ولایت سرپل هدف حمله هوایی قرار گرفته است. قول اردوی ۲۰۹ شاهین اعلام کرد که این حمله شام روز شنبه، هفتم سرطان اجرا شده است و یک «تجمع و جلسه رهبری» طالبان زون شمال را هدف قرار داده است. این حمله در روستای «کته‌قلعه» ولسوالی سوزمه قلعه اجرا شده است. طبق اطلاع‌رسانی قول اردوی ۲۰۹ شاهین، ملا مزمل، معاون وزیر دفاع نام‌نهاد طالبان نیز در این جلسه حضور داشته است. قول اردوی ۲۰۹ شاهین تصاویر پیش از اجرای این حمله را نشر کرده است، اما از تلفات گروه طالبان در این حمله هوایی جزئیات نداده است. ذبیح‌الله امانی، سخنگوی والی سرپل نیز در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این حمله هوایی شام روز گذشته یک تجمع بزرگ طالبان را هدف قرار داده است. او افزود که جزئیات از تلفات طالبان در این حمله به دست نیامده است. به گفته امانی، روستای کته‌قلعه ولسوالی سوزمه قلعه از چند سال به این سو در کنترل گروه طالبان قرار دارد و این گروه تمام ورودی‌های این روستا را به روی مردم بسته است. سخنگوی والی سرپل گفت که آنتن‌های مخابراتی نیز غیرفعال شده است و ارتباط بین این روستا و مرکز قطع شده است. گروه طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته است.



واکنش وزارت داخله به گزارش بچه‌بازی در بین نیروهای امنیتی: از استخدام افراد زیر سن جلوگیری می‌شود



۸ صبح، کابل: وزارت امور داخله به گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا در مورد «قاچاق انسان» که در بخشی از آن گفته شده است سوء استفاده از کودکان و «بچه‌بازی» در بین نیروهای امنیتی افغانستان وجود دارد، واکنش نشان داد. در اعلامیه وزارت امور داخله که روز یکشنبه، هشتم سرطان نشر شد، آمده است که این گزارش را خوانده و «به سلسله اصلاحات قبلی اقدامات عملی» را در این مورد روی دست گرفته است. وزارت امور داخله در این اعلامیه گفته است که به هدف جلوگیری از استخدام افراد زیر سن، ریاستی را زیر نام «امنیت داخلی» ایجاد کرده که ریاست مبارزه با فساد، طرز رفتار سلوک پولیس و جلوگیری از استخدام کودکان را به گونه جدی نظارت می‌کند. در اعلامیه وزارت امور داخله تذکر داده شده است که برای شناسایی هویت و مشخصات پولیس سیستم «پس» ایجاد شده است که یکی از اهداف آن، جلوگیری از استخدام افراد زیر سن ۱۸ در صفوف پولیس ملی می‌باشد. طبق معلومات وزارت داخله، تا کنون ۸۰ درصد منسوبان پولیس ملی ثبت این سیستم شده‌اند. وزارت داخله اطمینان داده است که روند اصلاحات در صفوف نیروهای پولیس به گونه جدی ادامه دارد و رهبری این وزارت

گروه طالبان از رهایی ۲۱ زندانی دولت در ولایت تخار خبر داد

۸ صبح، کابل: گروه طالبان از رهایی ۲۱ زندانی دولت خبر داده است. سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر گفته است که ۲۱ زندانی دولت روز یکشنبه، هشتم سرطان، در ولایت تخار از بند این گروه رها شده است. براساس آنچه طالبان اعلام کرده‌اند، این گروه تاکنون بیش از ۶۵۰ زندانی دولت را رها کرده است. حکومت نیز تاکنون نزدیک به چهار هزار زندانی طالبان را رها کرده است. تبادل زندانیان بین دولت و گروه طالبان بخشی از توافق نامه صلحی است که در دهم حوت بین آمریکا و طالبان در دوحه، پایتخت قطر امضا شد. گروه طالبان از رهایی پنج هزار زندانی این گروه به عنوان پیش‌شرط شروع مذاکرات بین‌الافغانی یاد می‌کند. براساس توافق نامه صلح، پنج هزار زندانی طالبان در ازای رهایی یک هزار زندانی نیروهای امنیتی از بند این گروه، رها می‌شوند. احتمال می‌رود که با رهایی زندانیان گروه طالبان، مذاکرات بین‌الافغانی صلح در جریان ماه بعدی میلادی برگزار شود.





رهایی طالبان و افزایش خشونت‌ها؛ روزهای خونین نظامیان افغان در زون غرب



سایه سیاه ترور و ناامنی در شهر کابل

با امضای توافق‌نامه صلح میان امریکا و طالبان و شروع بحث‌ها درباره مذاکرات بین‌الافغانی، تصور این بود که اوضاع امنیتی کشور بهتر شود. یکی از شرط‌های امریکایی‌ها این بود که طالبان باید حملات‌شان را قطع کنند؛ اما این حملات در ولایات بر مواضع نیروهای امنیتی ادامه یافت، طوری که حکومت افغانستان ماه گذشته را یکی از بدترین ماه‌ها از لحاظ تلفات نیروهای امنیتی عنوان کرد. هرچند طالبان در اعلامیه‌های رسمی و صفحات توئیتری منسوب به آن‌ها خود را به آتش‌بس اعلام نکرده متعهد می‌دانند، اما واقعیت این است که افراد منسوب به این گروه بر حملات‌شان بر نیروهای امنیتی افغانستان ادامه داده‌اند. نیروهای امنیتی نیز که پیش از این در حالت دفاع فعال قرار داشتند، اینک حملاتی را بر گروه طالبان انجام می‌دهند. نمونه آن حمله هوایی اخیر حکومت بر نشست سران طالبان در ولایت سرپل است.

در کنار آن، ناامنی‌ها و حملات در شهرها نیز ادامه یافتند. هرچند موج حملات انتحاری در شهرها کاهش یافته است، اما موجی از ترور در شهرهای افغانستان ادامه یافته است. طالبان و هیچ گروهی مسوولیت این حملات را بر عهده نگرفته است، اما از آنجایی که چنین حملاتی در سال‌های گذشته از جانب گروه طالبان و گروه‌های دیگری که علیه حکومت می‌جنگیدند انجام می‌یافت، دشوار است که این حملات را از گروه‌هایی که علیه حکومت می‌جنگند جدا دانست.

حملات انتحاری کاهش یافته، اما اینک در شهرها حملات ماین‌های مقناطیسی و ماین‌های کنار جاده‌های رعب و وحشت را در دل شهروندان دوباره زنده کرده است.

حمله بر امام مسجد وزیر اکبر خان، حمله بر امام مسجد شیرشاه سوری در کارته چهار، حمله بر موتر حامل خانواده استاد ولوالجی و در تازه‌ترین مورد حمله بر کارمندان سارنوالی و کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر را می‌توان از این‌گونه حملات به شمار آورد.

حمله بر شفاخانه ۱۰۰ بستر در دشت برچی یکی از بی‌رحمانه‌ترین حملاتی بود که تاکنون انجام یافته بود. مهاجمان در این حمله حتا بر مادران باردار و کودکان نوزاد نیز رحم نکردند.

پرسش این است که این حملات را چه کسانی انجام می‌دهند و چرا حکومت نمی‌تواند جلو چنین حملاتی را بگیرد؟

یکی از ویژه‌گی‌های حملات اخیر این است که هیچ کسی مسوولیت این حملات را برعهده نمی‌گیرد. نیروهای پولیس و به ویژه نیروهای کشفی باید برای جلوگیری از چنین حملاتی بیش‌ترین تلاش را انجام دهند. انجام چنین حملاتی مردم افغانستان را به پروسه صلح بی‌باور می‌سازد. اگر ارمنان صلح پایان جنگ و حملات در قلب شهرها نباشد، سخن گفتن از چنین صلحی امر بی‌معنا است. چنین حملاتی پروسه صلحی را که ما در آستانه جلسات آغازین آن هستیم، به شدت لطمه زده است. پیش‌شرط هرگونه مذاکره صلحی، باید اعلام آتش‌بس قطعی از جانب نیروهایی باشد که طرف‌های جنگ را تشکیل می‌دهند. از یک سو بحث آغاز مذاکرات صلح در میان است و از جانب دیگر خبرهای افزایش حملات طالبان در ولایات و هم‌چنان ادامه ترورهای سازمان‌یافته در بزرگ‌شهرها گزارش می‌شود. برای شروع هرگونه صلحی، قطع جنگ باید به عنوان نشانه حسن نیت از جانب طرف‌های درگیر لحاظ شود. تنها و تنها با پایان جنگ و حملات می‌توان نیت طرف‌ها را برای صلح فهمید.

از سوی دیگر تامین امنیت شهروندان وظیفه اولیه حکومت است. نهادهای امنیتی در بزرگ‌شهرها باید امنیت را تامین کنند. به جای گلایه و شکایت از این گروه یا آن گروه، وظیفه دولت است تا برای جلوگیری از هرگونه حمله‌ای آماده باشد.

سوگمندانه در شهر کابل ما شاهد موج تازه‌ای از حملات و ترورهای سازمان‌یافته هستیم. این ترورها اگر جلوگیری نشوند و درباره آن‌ها تحقیقات همه‌جانبه صورت نگیرد، فاصله میان مردم و حکومت روزبه‌روز بیش‌تر می‌شود.

در کنار این ترورها در هیچ برهه‌ای از تاریخ افغانستان جنایت‌کاران شهری تا این حد شجاع نبوده‌اند.

پس از شام کابل دیگر امن نیست، جنایت‌کاران امان مردم کابل را بریده‌اند. آن‌ها در جاده‌ها راه مردم را می‌گیرند و به چپاول و آزار و اذیت مردم اقدام می‌کنند. در شماری از حوادث شهروندان بی‌دفاع زخم برمی‌دارند یا کشته می‌شوند. حکومت افغانستان و نهادهای امنیتی نیز سوگمندانه در مهار این جنایات تا این دم ناتوان بوده‌اند.

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که در جریان حدود سه هفته، ۳۰ نیروی امنیتی افغان به دنبال حملات طالبان در ولایت‌های هرات و بادغیس کشته یا زخمی شده‌اند.



محمدنیک‌خواه

در حالی که طی روزهای اخیر زندانیان طالبان از بند رها شده‌اند، اما افزایش خشونت‌ها نگرانی‌هایی را به دنبال داشته است.

ولایت‌های زون غرب کشور طی روزهای گذشته گواهی افزایش کم‌سابقه‌ی خشونت و شدت گرفتن حملات طالبان بوده است. طی دست‌کم سه هفته‌ی پسین، طالبان در ولایت‌های هرات و بادغیس، حملاتی را بر مواضع نیروهای امنیتی انجام داده‌اند و در ولایت غور نیز، حملات‌شان عقب زده شده است.

مقام‌های محلی ولایت غور ادعا دارند که به دنبال درگیری میان نیروهای امنیتی و طالبان، دست‌کم ۱۴ جنگ‌جوی طالب در این ولایت کشته شده‌اند. نماینده‌گان مردم در شورای ولایتی، سردرگمی موجود در آغاز گفت‌وگوهای صلح میان حکومت و طالبان را سبب تضعیف روحیه‌ی نظامیان افغان در نبرد با طالبان عنوان می‌کنند.

تضمینی برای عدم بازگشت طالبان به جنگ نیست

براساس معلومات ارایه شده از سوی مقام‌های محلی هرات، از هنگام آغاز روند آزادسازی زندانیان طالبان در این ولایت تاکنون، بیش‌تر از ۸۰ زندانی از زندان مرکزی هرات رها شده‌اند؛ در مقابل طالبان شماری از نظامیان افغان را از بند رها کرده‌اند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که آمار زندانیان رها شده از سوی آنان و حکومت به تفکیک هر ولایت وجود ندارد، اما در تمام افغانستان ۶۴۲ سرباز حکومت از سوی طالبان و بیش‌تر از ۳۵۰۰ زندانی طالب از سوی حکومت رها شده‌اند.

اداره محلی و مسوولان زندان مرکزی هرات از ارایه آمار زندانیان طالبان که هنوز در بند حکومت هستند، خودداری می‌کنند. میوند صمدی، مدیر زندان هرات، در پاسخ به پرسش خبرنگار ۸ صبح در این مورد گفت: «نمی‌دانم»

چه تعداد از جنگ‌جویان طالبان در زندان مرکزی هرات زندانی هستند؛ اگر شما خبر شدید، به من هم خبر دهید.»

سیدوحید قتالی، والی هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید یافته‌های نهادهای امنیتی نشان می‌دهد که حدود ۹۸ درصد طالبان رها شده در هرات، دوباره به میدان نبرد نرفته‌اند.

فعالان مدنی هرات باور دارند که هیچ تضمینی برای این‌که طالبان رها شده دوباره به میدان‌های نبرد نروند، وجود ندارد. جواد عمید، فعال مدنی، به این باور است که نظارت درستی از عدم بازگشت جنگ‌جویان طالبان به میدان‌های نبرد وجود ندارد. وی می‌افزاید که سازوکار مشخصی برای ادغام طالبان رها شده با جامعه و فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی برای آنان وجود ندارد و در اوضاعی که جنگ، جنگ اقتصادی است و برخی افراد برای دریافت پول در برابر حکومت می‌جنگند، ممکن است آنان دوباره راهی میدان‌های نبرد شوند.

۳۰ کشته از دو طرف جنگ در سه هفته

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که از تاریخ بیست‌وسوم جوزا تا پنجم سرطان سال روان خورشیدی، دست‌کم ۳۰ تن از نظامیان افغان در ولایت‌های هرات و بادغیس در نبرد با طالبان کشته یا زخمی شده‌اند. در تاریخ بیست‌وسوم جوزا، به دنبال حمله طالبان بر نیروهای مرزی ارتش در شهرک مرزی اسلام‌قلعه هرات، پنج سرباز ارتش کشته و شش تن دیگر زخمی شدند.

چند روز پس از آن، در پی انفجار ماین کنار جاده‌ای در بزرگراه هرات - اسلام‌قلعه، چهار سرباز پولیس کشته و دو تن دیگر زخمی شدند. در تاریخ سوم سرطان، به دنبال حمله‌ی طالبان بر نیروهای امنیتی در ولسوالی «بالامرغاب» بادغیس هفت سرباز ارتش و سه سرباز پولیس کشته شدند و پنج سرباز دیگر زخم برداشتند.

با این حساب در جریان حدود سه هفته، دست‌کم ۱۹ نظامی افغان در هرات و بادغیس کشته و ۱۳ تن دیگر زخمی شده‌اند. در ولایت غور نیز، گزارش‌هایی از حملات طالبان بر مواضع نیروهای امنیتی در برخی ولسوالی‌ها وجود دارد، اما در مورد تلفات برخاسته از آن، خبر دقیقی در دست نیست. در سوی دیگر میدان نبرد، مقام‌های امنیتی در ولایت بادغیس می‌گویند که در پاسخ به حملات تهاجمی طالبان، مواضع جنگ‌جویان این گروه در

ولسوالی‌های «جوند و بالامرغاب» با هوپیمای‌های نظامی و حملات زمینی آماج قرار گرفته است.

در ولایت غور به ادعای مقام‌های محلی، طی روزهای گذشته در ولسوالی «ساغر» ۱۴ جنگ‌جوی طالبان کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. افزون بر این طالبان در برخی ولسوالی‌های دیگر غور نیز بر مواضع نظامیان افغان حملاتی را انجام داده‌اند.

سردرگمی نظامیان افغان بین جنگ و صلح

به دنبال کاهش خشونت‌ها در پی آتش‌بس رسمی روزهای عید فطر و کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها در آتش‌بس غیررسمی بعد از آن میان جنگ‌جویان طالبان و نظامیان افغان، نبرد میان دو طرف طی روزهای اخیر افزایش بی‌پیشینه داشته است.

شورای امنیت ملی کشور هفته‌ی گذشته اعلام کرد که این هفته خونین‌ترین هفته‌ی نبرد میان حکومت و طالبان طی دو دهه‌ی اخیر بوده و در جریان آن، ۲۹۱ نظامی افغان و ۴۰ فرد غیرنظامی از سوی طالبان کشته شده‌اند.

سیدوحید قتالی، والی هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌پذیرد که طی روزهای اخیر حملات تهاجمی طالبان بر نظامیان افغان افزایش یافته، اما در مقابل نیروهای امنیتی با دفاع از مواضع‌شان پاسخ حملات طالبان را داده‌اند.

بررسی نهادهای امنیتی در زون غرب کشور نشان می‌دهد که طی دست‌کم سه هفته اخیر، حملات تهاجمی، ماین‌گذاری کنار جاده‌ای و عملیات‌های نظامی طالبان برای هدف قرار دادن نظامیان افغان افزایش یافته است.

وکیل احمد کروخی، مسوول کمیته امنیتی شورای ولایتی هرات، سردرگمی نظامیان افغان در ادامه نبرد و آغاز گفت‌وگوهای صلح را، سبب تضعیف روحیه‌شان در نبرد با طالبان می‌داند. به عقیده وی، این سردرگمی نگران‌کننده است و باید سرنوشت گفت‌وگوهای صلح زودتر مشخص شود.

فرید اخی‌زی، عضو شورای ولایتی بادغیس نیز، علت اصلی افزایش خشونت‌ها در این ولایت را، تلاش طالبان برای کسب امتیاز بیش‌تر در گفت‌وگوهای صلح از طریق شدت دادن جنگ در کشور می‌داند.

فعالان مدنی و اعضای شورای ولایتی در زون غرب کشور، نگران بازگشت دوباره زندانیان رها شده طالبان به میدان‌های نبرد هستند و آغاز گفت‌وگوهای «بین‌الافغانی» و کاهش خشونت‌ها را، رونه‌ای برای پایان جنگ می‌پندارند.

وزارت دولت در امور حوادث: خطر سیلاب یک میلیون شهروند را تهدید می‌کند

برای مهار و مقابله با سیلاب‌های احتمالی در فصل بارنده‌گی را روی دست گرفته و تهدیدهای سیلاب در افغانستان پس از بررسی‌های وزارت، در «طلس» تهدیدهای سیلاب گنجانده شده است.

سرپرست این وزارت افزود، روند توزیع یک‌هزار تن گندم برای ۷۵۰ خانواده در بدل کار، در ولایت هرات آغاز شده است. بر اساس معلومات وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، طی ماه‌های گذشته بسته‌های مواد غذایی و کمک‌های نقدی برای ۶۵۰ خانواده و پنج‌هزار تن گندم برای نیازمندان توزیع شده است.



خطر سیلاب در کشور است. به گفته‌ی او، این وزارت از همین اکنون آماده‌گی‌ها

۸ صبح، هرات: وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث می‌گوید که بررسی‌ها نشان می‌دهد، بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار ساکن افغانستان، در فصل بارنده‌گی با خطر جاری شدن سیلاب روبه‌رو هستند.

غلام‌بهاء‌الدین جیلانی، سرپرست این وزارت، روز یکشنبه، هشتم سرطان، با حضور در نشست خبری مشترک با والی هرات گفت، تخریب جنگل‌ها، غصب زمین‌های حریم رودخانه‌ها، تخریب بستر رودخانه‌ها و تخریب بخش‌هایی که زیرپوشش گیاهان است، مهم‌ترین عوامل افزایش

ارزیابی تازه میک؛ استخدام غیر اصولی و مداخله غیر قانونی در بخش مالیات و گمرکها فسادزا است



پس از اعلام وزارت امور خارجه امریکا مبنی بر ناتوانی افغانستان در تکمیل حداقل شرایط شفافیت مالی، کمیته‌ی مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری نیز از چالش‌ها در ریاست عواید و گمرک‌های وزارت مالیه پرده برداشته است. بر اساس گزارش میک، مقامات، وکلای پارلمان و زورمندان در جمع‌آوری عواید و امور گمرک‌ها مداخله کرده و حتا بیش‌تر استخدام‌ها در ریاست‌های عواید و گمرکات وزارت مالیه نیز خلاف اصول خدمات ملکی صورت گرفته است. یافته‌های این نهاد نشان می‌دهد که ارقام صادراتی و وارداتی کشورهای شریک تجاری با ارقام ریاست گمرک‌ها چندین برابر تفاوت دارد. میک همچنان تصریح کرده که اداره‌های مالی‌گیری از نبود کارمندان مجرب و واجد شرایط برای انجام تفتیش مالیاتی اسناد مالیه‌دهنده‌گان رنج می‌برند و کنترل نشدن کار این کارمندان نیز منجر به تبانی در جمع‌آوری مالیات می‌شود. وزارت مالیه با استقبال از این گزارش، می‌گوید که پس از بررسی‌های نتیجه‌ی کار میک، به حل مشکلات خواهد پرداخت. این در حالی است که سیگار نیز پیرامون نامنی، فساد اداری و ظرفیت ضعیف حکومت در بازیافتن اعتمادها ابراز نگرانی کرده و گفته این موارد سبب از دست رفتن اعتبار افغانستان در میان نهادهای بین‌المللی شده است.

وزارت مالیه به روزنامه ۸ صبح گفت که به اداره‌های مربوطه هدایت داده شده تا در چارچوب قانون و امکانات، موارد ذکر شده در گزارش میک را بررسی کرده و برای اصلاح آن اقدام کنند. هر چند وی افزود که موضوع دست‌برد و فساد سبب می‌شود تا ارقام واردات و صادرات دقیق نباشد، اما به گفته آقای مسجیدی، این وزارت برای درک تفاوت در ارقام صادرات و واردات نیاز به جزییات بیش‌تر دارد تا تشخیص شود که ارقام چگونه به دست آمده و کدام موارد را شامل است. سخنگوی وزارت مالیه افزود که به گزارش میک ارزش قابل اند و پرداختن به جزئیات آن می‌تواند این وزارت را کمک کند. شمرزخان مسجیدی تصریح می‌کند که وزارت مالیه تلاش خواهد کرد تا به یافته‌های گزارش عمل کرده و برای حل موارد آسیب‌پذیر اقدام جدی کند. میک در حالی گزارش خود پیرامون آسیب‌پذیری فساد در ریاست گمرکات و عواید وزارت مالیه را نشر می‌کند که بر اساس گزارش شفافیت مالی وزارت امور خارجه امریکا در ۲۰۲۰، افغانستان نتوانسته حداقل شرایط را تکمیل کند. سفارت امریکا در کابل در واکنش به گزارش وزارت امور خارجه آن کشور، از حکومت و سایر نهادها خواسته که فساد اداری را شناسایی کرده و با آن مبارزه کنند. راس ویلسون، سرپرست سفارت امریکا در کابل روز یک‌شنبه، هشتم جوزا با نشر یک توییت گفته است که شفافیت از موارد اساسی برای حکومت‌داری خوب بوده و کمک می‌کند که از فساد اداری جلوگیری شود. وی در ادامه تصریح کرده است: «گزارش شفافیت مالی ۲۰۲۰ وزارت امور خارجه امریکا تشریح کرده که کدام کشورها حداقل شرایط لازم را تکمیل کرده‌اند. فساد اداری هنوز مانعی فرا راه توانایی‌های واقعی افغانستان است. ما از حکومت افغانستان، سکتور تجارت خصوصی، رسانه‌ها، سازمان‌ها و جامعه مدنی می‌خواهیم که فساد اداری را شناسایی کرده، با آن مبارزه کنند و یک آینده پر از فرصت‌ها و موفقیت‌ها را رقم زنند.»

ترازوها در عمارت‌های گمرک‌ها غیرفعال اند. برخی از کارمندان در این ارزیابی گفته‌اند که اسکنرهای با نرخی گزاف خریداری شده، اما «به گونه‌ی عمدی خاموش یا غیرفعال نگه داشته شده‌اند». پیش‌تر سیگار گفته بود که بیش از ۶۲ میلیون دالر کمک‌های امریکا برای تجهیز گمرکات افغانستان با وسایل و تجهیزات پیش‌رفته هدر رفته است. بر بنیاد گزارش بازرسی ویژه برای بازسازی افغانستان، بیش از هشت اسکنر معیاری برای نصب شدن در نقاط مرزی و گمرکی خریداری شده تا اموال را بازرسی و از ورود مواد مخدر پیش‌گیری به عمل آید، اما بیش‌تر این اسکنرها پس از نصب غیر فعال ساخته شده‌اند. بر اساس نتیجه پژوهش‌های میک، نشست‌های رودررو میان مقامات و مالیه‌دهنده‌گان یا نماینده‌گان‌شان نیز به اندازه‌ی کافی کنترل نشده، گفت‌وگوها از طریق یک طرز‌العمل تصویب‌شده‌ی اداری توسط وسایل صوتی و تصویری ثبت نمی‌شود و هیچ اتاق مصاحبه برای این نشست‌ها اختصاص داده نشده است. به گفته این نهاد، مردم به، از جمله مالیه‌دهنده‌گان نمی‌توانند به محل فنی اداره‌های مالیه‌دهنده‌گان دسترسی داشته باشند که منجر به تبانی یا فساد توسط مقامات مالیه‌گیری می‌شود. میک به این باور است که دسترسی نداشتن به محل‌های فنی شامل جعل معلومات و اسناد میشود و «نماینده‌گان» غیرمجاز نیز می‌توانند در روند ارزیابی مالیه، اشتراک کنند. این گزارش می‌افزاید که اداره‌های مرکزی و ولایتی مالیه‌گیری کارمندان مجرب و واجد شرایط به شکل خاص و لازم برای انجام تفتیش مالیاتی اسناد مالیه‌دهنده‌گان ندارند و کارمندان فعلی که تفتیش مالیاتی از اسناد مالیه‌دهنده‌گان انجام میدهند، از دانش کمی درباره رهنمود و طرز‌العمل‌های تصویب شده و حاکم‌ی تفتیش مالیات برخوردار اند. میک در ادامه‌ی گزارش ارزیابی‌های آسیب‌پذیری ریاست گمرکات و عواید وزارت مالیه، چندین مورد دیگر را نیز در گزارش‌اش گنجانیده و سرانجام ۷۳ سفارش را تشخیص و تشریح کرده است. مسوولان در میک می‌گویند که کارشناسان تحلیلی این نهاد کار پی‌گیری را آغاز کرده‌اند و این روند را با یک پلان تطبیقی جامع ادامه خواهند داد. گفتنی است که از میان مجموع سفارش‌های میک، ۲۲ سفارش مربوط بخش گمرک‌های وزارت مالیه و ۱۷ سفارت مخصوص بخش عواید این وزارت است. علاوه بر این، ۳۴ سفارش دیگر نیز هر دو اداره را شامل بوده، اما وزارت مالیه مسوولیت تطبیق آن را بر عهده خواهد داشت. گفتنی است که نتیجه ارزیابی‌های آسیب‌شناسی میک در روزهای گذشته با ارگ ریاست جمهوری نیز در میان گذاشته شده بود. ارگ در ادامه به اداره‌های مربوط دستور داده است که سفارش‌های میک را تطبیق کنند و از پیش‌رفت‌ها در این مورد گزارش دهند.

آمده است که تبدیلی دیرنگام یا حتا زود هنگام در برخی از گمرک‌ها سبب آسیب‌پذیری در جمع‌آوری عواید شده است. بر اساس یافته این نهاد، برخی از رییسان گمرک‌ها از لحاظ فنی وارد نیستند و بیش‌تر به دلیل صداقت انتخاب می‌شوند. آقای روحانی گفت که صداقت کارمندان می‌تواند شرطی برای حضورشان باشد، اما در صورت نداشتن آگاهی فنی، این افراد نمی‌توانند چگونه‌گی انجام فساد را تشخیص دهند. میک همچنان می‌گوید که ارقام صادرات و واردات ریاست گمرک‌ها و عواید با ارقام ارایه شده از طرف سایر کشورها تفاوت فاحش دارد که نشان می‌دهد یک بخش نامعلومی از واردات و صادرات به شکل غیرقانونی صورت می‌گیرد. بر اساس ارقام ارایه شده از سوی وزارت مالیه که میک به آن استناد کرده است، صادرات کشور به امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۸ به ۳۱ میلیون دالر می‌رسد. در حالی که حکومت امارات متحده عربی وارداتش از افغانستان را ۱۱۶ میلیون دالر گزارش داده است. با این صورت، ارقام واردات امارات متحده عربی از افغانستان چهار برابر ارقام صادراتی بوده که گزارش است. علاوه بر این، وزارت مالیه گفته است که واردات افغانستان از امارات متحده عربی ۲۲۸ میلیون و ۶۰۰ هزار دالر است. در حالی که حکومت امارات ارقام صادراتی‌اش به افغانستان را دو میلیارد و ۳۵۶ میلیون دالر گزارش داده است. به این ترتیب ارقام صادرات امارات متحده عربی نیز ۱۰ برابر بیش‌تر از ارقام وارداتی است که وزارت مالیه به میک گزارش داده است. کمیته‌ی مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری در این گزارش خود گفته است که نبود مداوم برق، گذشتن تاریخ جواز و زیربناهای تاریخ گذشته (شامل تجهیزات سخت‌افزاری مهم، سرورها و تجهیزات شبکه‌ی اصلی که با ظرفیت ۹۵ درصد مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنوز در سیستم موجود است) از تهدیدهای مربوط به سیستم «سیگناس» بوده که خطر بالای ناکامی و مفقود شدن معلومات مالیه‌دهنده‌گان را به وجود می‌آورد. گفتنی است که سیستم سیگناس از سال ۲۰۱۰ بدین سو به گونه‌ی تدریجی در ۲۲ ولایت، ۲۱ ساحه‌ی کابل و دفترهای مالیه‌دهنده‌گان بزرگ، متوسط و کوچک تطبیق شده است. به گفته میک، این سیستم امکان اجرای ابتکارات مهمی هم‌چون ثبت نام و صدور شماره‌ی تشخیصی مالیه‌دهنده، سنجش‌های خودکار محدود، محاسبه جرایم، ردیابی معاملات، بایگانی الکترونیک و توزیع عواید مالیاتی الکترونیک را امکان‌پذیر ساخته و بخش عمده‌ی سیستم مالیاتی افغانستان نمی‌تواند بدون این سیستم فعالیت کند. میک همچنان در ارزیابی‌اش تصریح کرده که تسهیلات گمرک‌ها از قبیل گدامها و سیستم «اسیکودا» به انترنت وصل نیستند و از فقدان برق پشتی‌بان رنج می‌برند که بالای کارهای الکترونیک گمرک‌ها اثر منفی می‌گذارد. این نهاد در ادامه گفته است که اسکنرها در بندرهای ورودی و خروجی و

چالش‌ها در ریاست عواید و گمرک‌های وزارت مالیه پرده برداشته است. بر اساس گزارش میک، مقامات، وکلای پارلمان و زورمندان در جمع‌آوری عواید و امور گمرک‌ها مداخله کرده و حتا بیش‌تر استخدام‌ها در ریاست‌های عواید و گمرکات وزارت مالیه نیز خلاف اصول خدمات ملکی صورت گرفته است. یافته‌های این نهاد نشان می‌دهد که ارقام صادراتی و وارداتی کشورهای شریک تجاری با ارقام ریاست گمرک‌ها چندین برابر تفاوت دارد. میک همچنان تصریح کرده که اداره‌های مالی‌گیری از نبود کارمندان مجرب و واجد شرایط برای انجام تفتیش مالیاتی اسناد مالیه‌دهنده‌گان رنج می‌برند و کنترل نشدن کار این کارمندان نیز منجر به تبانی در جمع‌آوری مالیات می‌شود. وزارت مالیه با استقبال از این گزارش، می‌گوید که پس از بررسی‌های نتیجه‌ی کار میک، به حل مشکلات خواهد پرداخت. این در حالی است که سیگار نیز پیرامون نامنی، فساد اداری و ظرفیت ضعیف حکومت در بازیافتن اعتمادها ابراز نگرانی کرده و گفته این موارد سبب از دست رفتن اعتبار افغانستان در میان نهادهای بین‌المللی شده است. کمیته‌ی مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری «میک» گزارش خود در مورد «آسیب‌پذیری‌های فساد اداری در ریاست گمرکات و عواید» را همه‌گانی کرد. بر اساس گزارش این نهاد، افراد بلندرتبه، زورمند و جنگ‌سالار در امور گمرک‌ها و عواید وزارت مالیه مداخله می‌کنند. در این گزارش آمده است که مداخله‌ی غیرقانونی مقامات در مرکز و ولایات، اعضای پارلمان و جنگسالاران به شکل تأکیدی بوده و میخواهند در مدیریت گمرک‌ها و مالیه مداخله کنند. به باور میک، این مداخله‌های غیرقانونی سرانجام منتج به رفتارهای فسادآلود مداوم میگردد که شامل قاچاق فردی و طرح‌ریزی شده، تقاضا برای رشوه و پرداخت رشوه و اخذی و تهدید به خشونت علیه مقامات گمرک‌ها و مالیه است. میک همچنان می‌گوید که استخدام‌ها در ریاست گمرکات و عواید وزارت مالیه خلاف اصول خدمات ملکی انجام می‌شود. بر اساس اصل استخدام‌ها، کارمندان پس از سپری کردن امتحان، پیشنهاد شده و سپس منظوری ارگ ریاست جمهوری یا نهاد مربوط را به دست می‌آورند. میوند روحانی، رییس دارالانشای میک روز یک‌شنبه، هشتم جوزا در یک نشست خبری گفت که پس از بررسی ۱۰۰ دوسیه استخدام کارمندان در دو بخش گمرک‌ها و عواید، دریافته‌اند که اسناد مربوط به استخدام در اکثر این دوسیه‌ها موجود نبوده و تقریراً تنها بر اساس پیشنهاد و منظوری صورت گرفته است. به گفته وی، کارمندان پس از شش ماه یا یک‌سال باید ارزیابی شده و در صورت پره نکردن توقعات، تنزیل یا منفک شوند. با این حال اما میک می‌گوید که وزارت مالیه هیچ‌گونه راه‌کاری برای حل این موضوع نداشته و کارمندی که با واسطه شامل می‌شوند، تا زمان موجودیت واسطه‌شونده، به کارشان ادامه می‌دهند. آقای روحانی افزود که بیش‌تر کارمندان، به ویژه در بخش عواید، به لایحه کاری‌شان آشنایی ندارند و به همین دلیل، ارزیابی‌های کارمندان نیز بیش‌تر به شکل سلیقه‌ای صورت می‌گیرد. به باور او، یک معیار مشخص و متناسب به تحلیل‌ها برای کارمندان باید تعیین شود تا آنان بتوانند مطابق به آن در ارزیابی‌ها پیرامون عواید جواب‌گو باشند؛ موردی که به گفته وی تا هنوز وجود نداشته است و به همین دلیل، کارمندان ارزیابی‌های عواید را هر بار طبق میل‌شان ارایه می‌کنند. در این ارزیابی میک

ادامه جرایم جنایی در پایتخت؛ کابل هنوز بستر امن دزدان است



شماری از باشندگان پایتخت از افزایش جرایم جنایی در شهر کابل ابراز نگرانی می‌کنند. باشندگان کابل می‌گویند، به رغم این که نهادهای امنیتی بارها از کاهش جرایم جنایی در شهر کابل سخن گفته‌اند، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد



عبدالحمید حسینی

که جرایم جنایی در شهر کابل افزایش بی‌سابقه یافته است. آن‌ها تصریح می‌کنند که به دلیل افزایش جرایم جنایی نمی‌توانند با آرامش خاطر به فعالیت‌های‌شان ادامه بدهند. باشندگان کابل نیروهای امنیتی را به ناتوانی متهم می‌کنند و می‌گویند که به دلیل کم‌کاری نیروهای امنیتی مجرمان در سطح شهر به گونه آزاد دست به قتل، سرقت و سایر جرایم جنایی می‌زنند. در همین حال وزارت امور داخله هرچند افزایش جرایم جنایی را رد نمی‌کند، اما می‌گوید که برای کاهش جرایم جنایی، برنامه‌های وسیع روی دست دارد و به زودی سطح جرایم در شهر کابل کاهش خواهد یافت.

باشندهگان شهر کابل مدعی‌اند که در این اواخر گراف جرایم جنایی سیر صعودی داشته و پایتخت هنوز هم بستر امن برای فعالیت مجرمان است. باشندگان پایتخت از افزایش جرایم جنایی در شهر کابل انتقاد می‌کنند و می‌گویند، با وجودی که بارها نهادهای امنیتی وعده‌ی پیکار علیه مجرمان و دزدان را داده‌اند، اما هنوز هم جرایم جنایی در بالاترین میزانش اتفاق می‌افتد. در تازه‌ترین مورد، گروهی از دزدان مسلح ضمن سرقت جواهر یک طلافروشی در غرب کابل، یک طلافروش را کشتند و یک تن دیگر را زخمی کردند.

حسین یک تن از طلافروشان در غرب کابل است. او می‌گوید که حوالی ساعت هفت صبح روز یکشنبه شماری از دزدان مسلح وارد طلافروشی شده‌اند و با به قتل رساندن دکان‌دار، طلاهایش را به سرقت بردند. او حادثه را این‌گونه شرح می‌دهد: «ساعت هفت و ۱۵ دقیقه صبح بود. همسایه‌ام طلاهایش را در دکانش می‌چید.

امور داخله از پیکار علیه مجرمان و سارقین خبر داده، اما فعالیت‌های این گروه‌ها نشان می‌دهد که هنوز هم پولیس در پیکار با مجرمان و دزدان موفق نبوده است. او با اشاره به سرقت طلا توسط دزدان مسلح گفت که اکنون طلافروشان نمی‌توانند با خاطر جمع به خرید و فروش‌شان ادامه بدهند. او گفت: «هر روز ما شاهد اتفاق جرایم جنایی در شهر کابل هستیم. ام‌صبح دزدان مسلح در پیش روی پولیس سرقت کردند و نفر را به قتل رساندند. با این وضعیت ما چگونه می‌توانیم به کار و بارمان ادامه بدهیم. پولیس نتوانسته است که جرایم جنایی را کم بسازد و مجرمان را مورد پیگرد قرار دهد. اگر فکری به خاطر کاهش جرایم جنایی نشود، ما دیگر نمی‌توانیم به آسانی فعالیت کنیم.»

محمود جعفری، نماینده طلافروشان غرب کابل می‌گوید که در این اواخر جرایم جنایی به شکل بی‌سابقه در شهر کابل افزایش یافته و سرمایه‌داران در خانه و بیرون احساس امنیت نمی‌کنند. آقای جعفری تصریح می‌کند که بارها از نهادهای امنیتی خواسته‌اند یک الی دو پولیس را برای تأمین امنیت مارکیت‌های طلافروشی به وظیفه بگمارند، اما نهادهای امنیتی از این خواست سر باز زده‌اند. او گفت که در

ناگهان صدای یک فیر آمد. دیدم که هفت نفر مسلح گارد امنیتی مارکیت را با مرمی زخمی کرده‌اند وارد مارکیت طلافروشی شدند. پنج تن از دزدان در پیش درب مارکیت ایستادند و دوتن‌شان داخل مارکیت آمدند و وارد اولین دکان طلافروشی شدند. به محض ورود مالک دکان را با مرمی زدند. بعد طلاهایش را جمع کردند و با خودشان بردند.»

وی بیان داشت، با وجودی که یک پوسته امنیتی در فاصله‌ای حدود ۱۰۰ متری این مارکیت قرار دارد، اما دزدان مسلح بدون کدام هراسی حدود هفت کیلو گرام طلا را به سرقت بردند. او ارزش طلاهای سرقت رفته را ۳۸۰ هزار دالر امریکایی عنوان کرد. پس از این حادثه هر چند پولیس به محل حاضر شده، اما نتوانسته است که دزدان مسلح را بازداشت کنند. با این حال او از نیروهای امنیتی انتقاد کرد و گفت: «نیروهای امنیتی متأسفانه در امر دستگیری مجرمان ناتوان بوده‌اند. دزدان همواره از مردم قربانی می‌گیرند اما نیروهای امنیتی هیچ کاری نمی‌کنند.»

حبیب‌الله یک تن دیگر از طلافروشان است. او می‌گوید که جرایم جنایی در این اواخر در شهر کابل افزایش یافته است. وی می‌گوید، علی‌رغم این که بارها وزارت

معمای تقاضا برای جرم

محمدرشید ظفر، لیسانس اقتصاد و مدیریت

بررسی افزایش تقاضای مردم برای خریداری گوشی‌های موبایل بدون اسناد (دزدی) و تاثیر آن بالای افزایش جرایم

نداشته باشند، و بعداً این خود باعث می‌شود تا دیگر انگیزه‌ای برای سرقت موبایل‌ها وجود نداشته یا این انگیزه در حد بسیار زیادی کاهش یابد و سرانجام باعث می‌شود سرقت‌های مسلحانه موبایل‌های همراه توسط دزدان، به گونه‌ی چشم‌گیری کاهش یابد.



موارد کشفی امنیتی ملی داشته باشد. اما اتخاذ چنین سیاستی بدون شک مشکلات و حتا تهدیدهایی را به همراه دارد؛ اولاً، تهیهی دستگاه ثبت و راجستر مستلزم مصارف گزاف و تیم متخصصی است که برای دولت ما در شرایط کنونی نا مساعد به نظر می‌رسد. ثانیاً، این سیاست برای مردم نیز مصارفی را چون مصارف ثبت و راجستر و مالیات به همراه دارد که باز هم با توجه به سطح فقر در کشور نامساعد و غیرعادلانه به نظر می‌رسد.

ثالثاً، عدم اطمینان مردم بر دولت؛ چنان‌که، مردم نمی‌خواهند یک دولت فاسد (به نقل از سازمان شفافیت بین‌المللی) و نامقتدر بر اعمال‌شان نظارت داشته باشد، به طور مثال، چه اطمینانی وجود دارد که از این دستگاه استفاده‌های مافیایی صورت نگیرد و شنود تماس‌ها به صورت شخصی و هدف‌مندانه نباشد.

مسئولیت مردم

چنان‌که قبلاً ذکر شد، رفتار مردم به صورت کتله‌ای می‌تواند بسیار موثر و به وجود آورنده جهش‌های بزرگی باشد. بنا نقش مردم در از بین بردن چنین حالاتی می‌تواند به صورت بسیار موثرتر آشکار شود، طوری که مردم با درک اثرات منفی خریداری موبایل‌های همراه دزدیده‌شده (فشار تقاضا روی محصولات دزدی‌شده - افزایش سرقت‌های مسلحانه) به صورت کتله‌ای تصمیم بگیرند تا دیگر موبایل‌های دزدی‌شده را تقاضا و خریداری نکنند.

اگر یک لحظه به این موضوع فکر کنید به صورت بسیار ساده می‌بینید که نبود تقاضای مردم برای خرید موبایل‌های دزدی‌شده باعث می‌شود تا در قدم نخست، موبایل‌فروشان دیگر تمایلی به خرید چنین گوشی‌هایی

ولی اصل معما در این‌جا است که در اکثر موارد همین اشخاص متضرر یا اشخاصی که گوشی‌های همراهشان دزدی شده است، دوباره دست به خریداری گوشی‌های همراه دزدی شده دیگر در بازار می‌زنند و این به نظر من همان «تیشه به ریشه‌ی خود زدن» است.

متأسفانه امروزه در کشور ما خریداری و فروش گوشی‌های بدون سند (بدون کارتن) به یک امر عادی و رفتار کتله‌ای توسط مردم بدل شده است که در اصل، در حدود ۹۰ درصد از این موبایل‌های همراه بدون سند، دزدی شده‌اند. طوری که این رفتار هر روز در حال افزایش است، پس باید گفت که تقاضا برای گوشی‌های دزدی‌شده در حال افزایش است، اما نکته‌ی قابل ملاحظه این است که این تقاضا برای خریداری گوشی‌های همراه دزدی‌شده توسط مردم (خرید برای مصرف) در اصل بر افزایش تقاضا برای گوشی‌های همراه دزدی‌شده توسط فروشندگان (خرید برای فروش) و نهایتاً افزایش واقعه‌های دزدی موبایل‌های همراه را در پی خواهد داشت. این سرقت‌های مسلحانه که بیش‌تر در شهرهای بزرگ کشور اتفاق می‌افتد، سالانه جان ده‌ها تن را می‌گیرد و صدها تن دیگر را مجروح و یا حداقل متضرر می‌سازد.

ولی اصل معما در این‌جا است که در اکثر موارد همین اشخاص متضرر یا اشخاصی که گوشی‌های همراهشان دزدی شده است، دوباره دست به خریداری گوشی‌های همراه دزدی شده دیگر در بازار می‌زنند و این به نظر من همان «تیشه به ریشه‌ی خود زدن» است.

راه‌حل‌ها

مسئولیت دولت

به صورت خلاصه، دولت برای مهار یا پیش‌گیری از چنین دزدی‌های مسلحانه، با وضع مقررات روی صنف موبایل‌فروشان، می‌تواند بسیار موثر عمل کند، طوری که تمامی موبایل‌فروشان مکلف شوند دیگر گوشی‌های بدون سند یا حداقل بدون ضمانت را برای فروش، خریداری نکنند، در غیر آن صورت یعنی موبایل‌های همراه بدون سند، توسط دولت ضبط شود.

راه دیگری که دولت می‌تواند برای مهار این تهدید روی دست گیرد، عبارت از تهیه دستگاه ثبت و راجستر موبایل‌های همراه می‌باشد. دولت می‌تواند با اتخاذ چنین سیاستی کنترل کامل در موارد نوعیت، موقعیت و مالکیت موبایل‌ها و حتا شنود تماس‌ها در

در این چند سال جرایم مربوط به سرقت‌های مسلحانه موتور، موتورسایکل، موبایل و خالی کردن جیب‌های مردم، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و به طرف غیر قابل کنترل شدن روان است. گذشته از این که این گروه‌ها ماهیتاً مافیایی، انفرادی، شوقی و یا میراثی هستند، باید بگوییم این گروه‌ها با جنایات‌شان در پهلوی رساندن زبان‌های مادی، خانواده‌های بسیاری را در سوگ فرزندان معمولاً جوان‌شان نشانده و افراد زیادی را ناتوان یا مجروح ساخته‌اند.

متأسفانه عوارض و زبان‌های این جنایات تنها برای افراد مورد هدف نبوده بلکه کل جامعه را با ایجاد اضطراب و ترس، پریشان خاطر ساخته و احساس ناامنی شدیدی در آن‌ها به وجود آورده است که این، یعنی رفاه اجتماعی را که حق مسلم انسان است، به خطر انداخته است.

اما عامل این بدبختی نو ظهور و در حال رونق که در آینده کم‌تر از تهدید داعش و طالب و القاعده نخواهد بود چیست؟

در جواب به این سوال باید بگوییم که در کشور ما باعث هر یک از بدبختی‌ها و ناهنجاری‌ها عامل نه، بلکه عوامل هستند. به این معنا که نمی‌توانیم عامل واحدی را باعث افزایش جرایم مسلحانه و تروریستی در کشور بدانیم. فقر، بی‌ثباتی در حکومت، رشد مافیایی، ضعف سیستم قضایی... عواملی‌اند که می‌توانند در به وجود آمدن و رشد این جرایم موثر باشند. اما، در این مقاله صرفاً می‌خواهم نظریاتم را در مورد سرقت‌های مسلحانه‌ی موبایل‌های بنویسم. امیدوارم این مقاله سرآغازی برای تغییر رفتارها و مهار چنین جنایات و ناامنی‌ها باشد.

تقاضای مردم و افزایش جرایم



چگونه اقتصاد را متاثر می سازند مصارف و بدهی؛



انفرادی، مهندسی مجدد ساختار قروض، توزیع ثروت از غنی به فقیر و چاپ نمودن پول (از طرف بانک مرکزی) اتخاذ می گردد. معمولاً کاهش مصارف اولین قدم در حالت رکود می باشد و به صورت طبیعی اتفاق می افتد. زمانی که کاهش مصارف برای بازپرداخت قروض صورت می گیرد و قرضه گیرندگان دیگر قرضه جدید اخذ نمی کنند و افراد به این باور اند که قروض کاهش می یابد مگر برعکس این شرایط واقع می گردد. کاهش مصارف سبب کاهش درآمد (مصرف یک فرد درآمد برای فرد دیگر است) می گردد. درآمد، سریع تر از پرداخت قروض نزول می کند و بازپرداخت قروض حالتی بدتر را به خود می گیرد. کاهش مصارف، مسبب حالت برعکس تورم می گردد و سبب می گردد تا فعالیت های اقتصادی متوقف گردد و این منجر به بی کاری می گردد.

زمانی که قرضه گیرندگان نمی توانند قروض شان را بپردازند، شرایط مشقت باری برای قرضه دهنده گان (معمولاً بانکها) ایجاد می شود. در این حالت مشتریان بانکها دست به کشیدن پول های شان از بانک می زنند و بانکها ورشکست می گردد. بزرگ ترین ضربه به کساد، حالت ذهنی افراد است که پی می برند که قسمت اعظم دارایی های شان اصلاً حالا وجود ندارد! از سبب کاهش ارزش دارایی ها یا بازپرداخت قروض. مهندسی بازپرداخت قروض سبب می شود تا بانکها و قرضه دهنده گان ورشکست نگردیده و قرضه گیرندگان به صورت مکمل از پرداخت قروض انصراف نوزند، بلکه قروض به زمان بیش تر و نرخ ربح کم تر پرداخت گردد. مهندسی مجدد قروض هم مانند کاهش مصارف انفرادی سبب حالت برعکس تورمی می گردد.

تمام این شرایط حکومت مرکزی را نیز آسیب می رساند زیرا درآمد و مصارف کم به معنای جمع آوری مالیات کم از افراد است و در عین زمان حکومت مرکزی باید مصارف شان را افزایش دهند، چرا که بی کاری افزایش یافته است. بسیاری از بی کاران پس انداز کم داشته یا اصلاً ندارند و حالا نیاز به کمک مالی از جانب حکومت مرکزی دارند. این شرایط باعث کسر بودجه دولت به صورت مهربی می گردد زیرا مصارف بیش تر، ولی عاید کم تر گردیده است. برای تامین کسر بودجه حکومت مرکزی باید مالیات را افزایش دهد و یا قرضه اخذ نماید. طبیعتاً دولت ها مالیات را بر ثروتمندان در این شرایط بیش تر می سازند که خود پدیده توزیع مجدد عاید است.

اگر کساد بیش تر گردد شورش های اجتماعی را در پی دارد، که مشتمل بر شورش های داخلی و بین المللی خصوصاً بین ممالک قرضه گیرنده و قرضه دهنده است. این حالت سبب تغییرات سیاسی و نظامی کشورها خواهد شد.

اقدام بعدی، نشر پول از جانب بانک مرکزی خواهد بود، مگر نشر پول، می تواند تورم را باشد. خرید دارایی های مالی سبب می شود تا ارزش دارایی های ثابت احیا گردد و احیا شدن ارزش دارایی های ثابت، افراد و اشخاص را دوباره اعتبار می بخشد تا قرضه اخذ کنند. نکته مهم این است که بانک مرکزی تنها دارایی های مالی را خریداری نموده می تواند و در عین حال حکومت مرکزی می تواند اجناس و خدمات را خریداری کند (نمی تواند پول نشر کند). پس در این صورت هر دو باید مشترکاً کار کنند. با خریداری اوراق قروض دولتی بانک مرکزی به نحوه ای به حکومت مرکزی پول قرض می دهد. حکومت مرکزی با پروگرام های خاص که دارد می تواند بی کاری را کاهش داده و اجناس و خدمات را خریداری نموده و این پول ها را به چرخش اندازد. این کار درآمد افراد را افزایش داده در عین حال قروض حکومت مرکزی افزایش می یابد. هر چند این کار بار قروض عمومی را کاهش می دهد مگر تعادل این دو حالت تورمی (inflationary) و برعکس آن (deflationary) کار نهایت پر چالش توام با خطر است که معمولاً توسط سیاست گذاران اقتصادی صورت می گیرد.

در نتیجه سه اصل مهم برای پالیسی سازان اقتصادی جهت حفظ ثبات اقتصادی قرار ذیل پیشنهاد می گردد:

- ۱- نباید اجازه داده شود تا قروض سریع تر از درآمد افزایش یابند، زیرا بار قروض سبب رکود می گردد.
- ۲- نباید درآمد سریع تر از مولدیت افزایش یابد، زیرا در طول مدت حالات غیر رقابتی به وجود می آید.
- ۳- تمام توان را باید به خرج داد تا مولدیت را افزایش داد.

را بالا برد. قیمت ها زمانی افزایش می یابند که مقدار مصرف و درآمد بیش تر از تولید کالا و خدمات افزایش یافته باشد و زمانی که قیمت ها افزایش می یابند، تورم پولی به وجود می آید. بانک مرکزی با افزایش تورم، نرخ ربح را بالا می برد. برعکس وقتی قروض افراد زیاد می باشد آن ها دست به کاهش مصرف می زنند و قسمی که قبلاً اشاره گردید مصرف یک شخص، درآمد برای شخص دیگر است. پس مصرف مجموعی کاهش می آید. با کاهش مصرف مجموعی قیمت ها پایین می آید که این حالت به نام کساد یاد می شود. کساد، کاهش فعالیت های اقتصادی را در پی دارد و در صورتی که ادامه می یابد حالت رکود واقع می گردد. سیاست بانک مرکزی در این حالت کاهش نرخ ربح خواهد بود. با این سیاست افراد بیش تر تشویق به اخذ قرضه می شوند.

پس دیده می شود که اقتصاد مانند یک ماشین عمل می کند یعنی در کوتاه مدت دوران شکوفایی و کساد را که مرتبط به قروض می گردد، می پیماید. هر گاه کسادی به صورت سهل موجود باشد، توسعه اقتصادی (حالت بهبود) را در بر دارد، برعکس هر گاه کسادی به صورت آسان میسر نباشد، حالت کساد رخ می دهد. و این چرخه (سایکل) معمولاً توسط بانک مرکزی کنترل می گردد.

هر گاه دقت گردد هر چرخه ۵ تا ۷ ساله کوتاه مدت، بالاتر از چرخه ای بعدی ختم می گردد (رشد بیش تر توأم با قروض بیش تر) و دلیل آن خواسته های افراد است. افراد تمایل دارند بیش تر از پرداخت قروض شان، قرضه بگیرند و مصرف کنند و به این دلیل در طول مدت قروض سریع تر از درآمد افزایش می کند و سبب ایجاد دوران طول مدت می گردد. دوران طول مدت و کوتاه مدت بعد از رسیدن به نقطه اوج مخالف جهت ادامه می یابند. رکود اقتصادی در سال ۲۰۰۸ م در امریکا رخ داد و در این حالت، افراد مصارف را کاهش دادند، درآمدها نیز از اثر آن کاهش یافت، کسادی غایب شد، ارزش دارایی ها نزول کرد، بانکها ورشکست شدند، بازارهای سهام سقوط کردند، فشارهای اجتماعی به اوجش رسید، و همه چیز واژگون گشت، بازپرداخت قروض زیاد گردیده و قیمت کسادی بیش تر شد. پس برای بازپرداخت قروض، قرضه گیرندگان دست به فروش دارایی های ثابت زدند مگر این در زمانی اتفاق افتاد که درآمد افراد کاهش یافته بود. و از اثر عرضه بیش تر آن، ارزش این دارایی های ثابت نیز کاهش یافت. این حالت قرضه گیرندگان را کم تر قابل اعتبار برای اخذ قروض می ساخت. مردم احساس فقر می کردند، مصارف کم به درآمد کم می انجامید، ثروت کم باعث کسادی کم و کسادی کم منجر به قروض کم شده بود و قروض کم دوباره به مصارف کم خاتمه می یافت. مردم در دایره فقر گیر مانده بودند. در این حالت پایین آوردن نرخ ربح کارآمد نبود قسمی که در کوتاه مدت کسادی اثربخش بود. نرخ ربح خود تا حدی پایین بود که تقریباً به صفر کرده بود. نرخ ربح در حالت رکود در ۲۰۰۸ م در امریکا به صفر فی صد می رسید.

فرق بین کساد و رکود در این است که در حالت رکود قروض افراد بسیار زیاد گردیده و سیاست کاهش نرخ ربح کارآمد نیست. وقتی قرضه دهنده گان (معمولاً بانکها) پی می برند که دیگر پول های شان را نمی توانند از نزد افراد اخذ کنند و دارایی های ثابت اشخاص ارزش خود را از دست داده است، این حالت صدمه بزرگ به آنان وارد کرده و آنان را از قرضه دادن منصرف می سازد. متوقف گردیدن قرضه و اخذ آن، اقتصاد عدم شایسته کسادی را ایجاد می کند. در حالت رکود سیاست های نظیر کاهش مصارف

و نزد قرضه دهنده سبب حل و فصل معامله می شود. مشخصات فوق الذکر، قرضه دهنده گان را در قسمت دادن قرضه به افراد و اشخاص خاطر جمع می دهد. درآمد بیش تر، محرک قرضه گرفتن بیش تر شده که افزایش دهنده مصرف انفرادی است و نیز چون مصرف انفرادی بیش تر یک شخص درآمد بیش تر برای شخص دیگر است. شخص پردرآمد قرضه بیش تر اخذ کرده و مصرف بیش تر انجام می دهد و مصرف او برای شخص دیگر عاید است و این چرخه های کوچک پهلوی هم منجر به رشد اقتصادی می شود. این دلیلی است که ما دوران اقتصادی داریم و با گذشت زمان متوجه می شویم که این چرخه های کوچک محرک مولدیت اقتصادی می شوند. آن هایی که سخت کوش هستند و زحمت بیش تر می کوشند استندرد زندگی شان بالا برود و نسبت به آنانی که کم تر تلاش کرده اند، مولدیت در طول مدت با اهمیت بوده و نوسانات کم تر دارد ولی کسادی در کوتاه مدت پر اهمیت است.

بدهی، عامل نوسانات اقتصادی است زیرا بدهی به ما اجازه می دهد تا بیش تر از مقداری که درآمد داریم مصرف کنیم و در زمان بازپرداخت قروض از مصرف خودمان بکاهیم. این خود به وجود آورنده نوسانات اقتصادی است دوران کوتاه مدت بدهی از ۵-۸ سال را در بر می گیرد در حالی که دوران درازمدت از ۷۵-۱۰۰ سال را در بر دارند. با در نظر داشت اقتصاد بدون کسادی به این امر مهم پی می بریم که یگانه راه افزایش مصرف انفرادی، افزایش درآمد است و افزایش درآمد خواهان مولدیت یا تلاش بیش تر است. پس مولدیت بیش تر یگانه عامل رشد اقتصادی در این نوع اقتصاد شمرده می شود. مصرف یک شخص درآمد شخص دیگر شده و تمام افراد در این اقتصاد باید کار بیش تر کنند تا رشد اقتصادی به وجود آید. ولی در اقتصاد با کسادی راه دیگر برای افزایش مصرف قرضه گرفتن است. این اجازه می دهد که مصرف بیش تر شود و منجر به درآمد بیش تر گردد (مصرف یک شخص درآمد برای شخص دیگر) و نسبت به مولدیت در کوتاه مدت سیر صعودی داشته باشد (این شرایط در درازمدت صادق نیست).

نوسانات اقتصادی از سبب اخذ قرضه به وجود می آیند. یعنی وقتی قرضه اخذ کردیم می توان مصرف انفرادی مان را بیش تر سازیم ولی در زمان بازپرداخت آن باید از مصرف مان بکاهیم و این خود حالت های صعودی و نزولی را به وجود می آورد. هر زمانی که قرضه می گیریم یک دوران با نقاط صعودی و نزولی را به وجود می آوریم. زمانی که این دوران به اوج می رسد حالت مصرف اعظمی شما از منابع قرضی را نمایش غری است برعکس زمانی که این دوران نزول کرده، حالت بازپرداخت قروض و کاهش مصرف را نشان می دهد. این چرخه ها پول را از کسادی متمایز می سازد. با پول معامله ختم می گردد ولی با کسادی هر زمانی که وجه و ربح آن دوباره پرداخت شد معامله بسته می شود.

در واقع آن چه را عموم مردم پول می ندانند، قرضه است. مقدار مجموعی کسادی در کشور امریکا به ۵۰ تریلیون دالر می رسد در حالی که مقدار مجموعی پول سه تریلیون دالر است. کسادی ماهیتاً بد نبوده و فقط زمانی مشکل زا می گردد که مصرف از بازپرداخت بیش تر گردد. کسادی زمانی موثر است که منابع به صورت موثر جاسازی گردیده و منجر به درآمد بیش تر شود. به گونه مثال اگر کسادی رخ دهد و جنسی خریداری شود که حاصل ندهد و در مقابل این حالت، کسادی اخذ شده و با آن تجارت راه اندازی گردیده که مفادآور بوده هم بدهی را پرداخت کند و هم استندرد زندگی مالکان آن

اقتصاد، هم مانند ماشین ساده کار می کند مگر بسیاری از دانشمندان این رشته، بالای سیستم کاری آن توافق نظر ندارند و به این لحاظ مشکلات زیاد در پروسه درک و اثرگذاری آن به وجود می آید. اقتصاد شاید مغلق به نظر آید مگر هم مانند یک سیستم می خانیکی ساده فعالیت می کند که متشکل از چندین پارچه ای ساده و معاملات است که بارها و بارها تکرار می شود. این معاملات سه قوه اساسی را تشکیل می دهند: ۱- رشد مولدیت ۲- زمان های کوتاه مدت بدهی ۳- دوران طول مدت بدهی که می توانند اقتصاد را به چرخش در آورند. قرار گرفتن این سه قوه کنار هم، می تواند در پویایی و درک اقتصادی، ردیابی موضوعات مرتبط و مطالعه شرایط فعلی و آینده بسیار موثر باشد.

یک اقتصاد، به صورت کلی مجموعه ای از معاملات دانسته می شود. هر زمانی که شما چیزی خرید می کنید در حقیقت یک معامله را به وجود آورده اید. هر معامله مشمول یک خریدار که در حال تبادل پول و یا کسادی (با یک فروشنده در مقابل اشیا، خدمات و یا دارایی های مالی) می باشد. یک معامله، در حقیقت جزء اساسی ماشین اقتصادی است و تمامی دوران و پی آمدهای اقتصادی مرتبط به معاملات است.

بازار، شامل تمامی خریداران و فروشنده گان است که در حال معامله همان شی یا خدمت اند. به گونه ای مثال بازار مواد غذایی، بازار وسایط نقلیه، بازار مالی، بازار طلا، بازار نفت و غیره که اقتصاد متشکل از میلیون ها بازار و معاملات شان است. بازارها، افراد، بانکها، دولت ها همه در حال معامله (تبادل پول و کسادی یا اشیا، خدمات و دارایی های مالی) اند. کسادی، هم مانند پول به مصرف می رسد که مجموعه پول با کسادی، مصرف مجموعی شما را نشان می دهد و مجموعه مصارف، تحریک کننده اقتصاد است. نسبت مجموعه مصارف بر مقدار مجموعی، نشان دهنده قیمت یک جنس است.

بزرگ ترین خریدار و فروشنده، حکومت است که شامل دو بخش مهم است ۱- حکومت مرکزی (جمع کننده مالیات، مصرف کننده پول) ۲- بانک مرکزی (کنترل کننده مقدار پول و کسادی در اقتصاد). بانک مرکزی چگونگی مقدار پول و کسادی را در اقتصاد کنترل می کند و با افزایش نرخ ربح و چاپ پول، مقدار پول و کسادی را تنظیم می کند.

کسادی، بحث بسیار مهم در اقتصاد است. به گونه ای که خریدار و فروشنده در اقتصاد دست به انجام معاملات می زنند و به همین ترتیب قرضه دهنده (اکثر اوقات بانکها) و قرضه گیرنده (افراد و اشخاص حقیقی و حکمی) معاملات مرتبط به کسادی را انجام می دهند. قرضه دهنده گان می خواهند پول شان را بیش تر کنند و قرضه گیرنده گان معمولاً قرضه اخذ می کنند تا دارایی را خریداری کنند یا تجارتی را آغاز نمایند، پس کسادی می تواند هر دو را به اهداف شان برساند. قرضه گیرنده متعهد می شود تا اصل پول به اضافه ربح آن را بپردازد. اگر نرخ ربح بیش تر باشد قرضه گیرنده گان کم تر در بازار موجود اند برعکس اگر نرخ ربح کم تر باشد قرضه گیرنده گان بیش تر در بازار خواهان اخذ قرضه می شوند.

کسادی زمانی ایجاد می شود که قرضه گیرنده متعهد به پرداخت وجه در آینده شده و اعتبار قرضه دهنده را حاصل کند. و این کسادی ایجاد شده به نام بدهی یاد می گردد. بدهی دارایی برای قرضه گیرنده و دین برای قرضه گیرنده محسوب می شود. هر زمانی که قرضه گیرنده دوباره مقدار قرضه به اضافه ربح آن را پرداخت کند، این معامله بسته می شود. لازم به یادآوری است که در بانکداری اسلامی ربح قروض پرداخت نمی گردد که این نوع قرض به نام قرض الحسنه یاد می گردد.

پس سوال اساسی این است که کسادی چرا این قدر مهم است؟ وقتی قرضه گیرنده کسادی را دریافت می کند او می تواند مصرف مجموعی اش را بالا ببرد و قسمی که قبلاً اشاره کردیم مصرف، به حرکت آورنده اقتصاد است. مصرف یک شخص عاید برای شخصی دیگر است. هر افغانی را که ما مصرف می کنیم برعکس هر افغانی را که شما به دست آورید شخصی دیگر آن را به مصرف رسانیده است. هر گاه بیش تر مصرف کنیم شخصی دیگر بیش تر حاصل می کند. وقتی عاید فردی زیاد می گردد قرضه دهنده گان زیاد کوشش می کنند تا به آن فرد، قرضه دهند، زیرا که حالا او بیش تر شایسته و با اعتبار است. یک فرد با اعتبار می تواند دو مشخصه داشته باشد ۱- توانایی بازپرداخت قروض ۲- وثیقه. مقدار بیش تر درآمد، قرضه گیرنده را قادر می سازد تا قروض را بپردازد و در صورت عدم توانایی پرداخت، دارایی ثابت (وثیقه)



شیوه‌های منفی سیاست

قوم‌گرایی



احمد رشاد میرزاده
استاد دانشگاه

همه‌ی دولت‌ها معمولاً بدون آن که اعترافی داشته باشند و گاه بدون این که خود آگاه باشند، دارای سیاست‌های قومی‌اند. روی همین ملحوظ است که امروزه شاهد اصلاحات مثبت زیادی در این زمینه در جهان معاصر هستیم. البته بدبختانه انفعال در این زمینه هنوز رایج است و در بسیاری از موارد دولت‌ها هنوز تخت راحتی برای اقوام هستند. سیاست‌های قومی در راه‌های منفی بسیاری گام گذاشته‌اند که نمی‌توان ادعا کرد که قدیمی‌ترین آن‌ها و بدترین‌شان کدام سیاست منفی قومی بوده است. در این مقاله به بررسی شیوه‌ها و طریقه‌های مختلف سیاست‌های منفی قومی یا همان قوم‌گرایی منفی می‌پردازیم تا از یک جهت معرف اعمال و رفتارهای قومی در کشور ما باشد و از جانب دیگر تلاشی باشد در راستای معرفی و آگاهی جامعه به خصوص آن عده از تحصیل‌کرده‌گان کشور که به تازه‌گی در مقام‌های مختلف حکومتی وارد شده‌اند یا هم وارد می‌شوند تا بدین جهت از تطبیق عمدی یا هم اشتباهی سیاست‌های قومی در درون حکومت جلوگیری به عمل آمده باعث رشد فرهنگ عدم تبعیض و تعصب قومی در کشور گردد. اینک به شیوه‌هایی از این پدیده شوم که سیاست‌های منفی قومی در طول تاریخ در این جهان موجود بوده، می‌پردازیم و سکان هدایت فکری را بعد از مطالعه این مقاله به دست شما خواننده گان عزیز می‌سپارم تا شما تشخیص بدهید که از کدامین این سیاست‌ها و تا کدام اندازه در داخل افغانستان استفاده شده یا هم استفاده می‌شود و هر روز مردم کشور ما از آن رنج می‌برند و یکی از عوامل عمده عدم توسعه افغانستان در حدود بیست سال پسین، همین نوعیت سیاست‌های قوم‌گرایی بوده است.

۱- قوم‌کشی و زبان‌کشی

واژه قوم‌کشی که در سال‌های ۱۹۷۰م توسط مردم‌شناسی به نام روبر ژولن به کار برده شده است، عبارت از همان مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها از میان بردن فرهنگ یک قوم و جای‌گزینی آن با فرهنگ دیگر است. در توضیح این نوع سیاست منفی قومی که یکی از انواع قوم‌گرایی است، باید گفته شود که در این‌جا نابودی و از بین بردن فیزیکی قوم مورد قوم‌کشی نیست و حتا آن‌ها از جای بودوباش‌شان هم بیرون کرده نمی‌شوند و یا هم از لحاظ سرزمینی آن‌ها را جابه‌جا نمی‌کنند، بلکه فرهنگی را که می‌خواهند جای‌گزین آن بسازند، به نحوی ساخته و یافته خود‌شان توأم با فرهنگ فاتحان یا استعمارگران است. به این ترتیب این پروسه در قدیم وقت کم‌تری را در

بر می‌گرفت تا تکمیل شود، ولی امروزه به دلیل موجودیت حقوق مساوی اتباع داخل کشورها، زمان‌گیرتر به نظر می‌رسد و به آهسته‌گی مورد تطبیق قرار می‌گیرد. البته با کامل شدن فرایند فرهنگ‌زدایی از یک قوم، در نهایت آن قوم به مثابه یک گروه متمایز و غیرمتجانس از سایر اقوام از بین می‌رود، زیرا به ناچار در مجموعه بزرگ‌تری ادغام می‌شود. نمونه‌هایی از این، همان فرایندهایی است که در مورد سرخ‌پوستان امریکایی اتفاق افتاد. این جمعیت پس از آن که از نهادها، ادیان و زبان‌های‌شان محروم شدند، به شدت تحت استثمار اقتصادی قرار گرفتند و تا اندازه زیادی به وسیله ازدواج‌های بین قومی در گروه‌های دیگر ادغام شدند.

زبان‌کشی یکی از اشکال قوم‌کشی است که معنای آن به از میان بردن زبان یک جمعیت خاص است. گاه دیده شده است که دولت‌های مدرن به جای استفاده از سیاست‌های سرکوب‌گرایانه همانند ممنوعیت‌ها، مجازات‌ها و غیره که ممکن است به عنوان سیاست‌هایی در راستای مخالفت با حقوق بشر مورد انتقاد سایر دولت‌ها قرار بگیرند، دست به آموزش اجباری یک زبان دیگر به جز زبان قومی که بالطبع زبان رسمی دولت است، می‌زنند تا نوعی سیاست توسعه فرهنگی محسوب شود؛ مثلاً آن‌چه را چین در تبت انجام داد. البته مزایای آموزش اجباری می‌تواند به شکل یکسان به جمعیت‌های بومی -اقوام بدون دولت یا اقلیت‌های مرزی- و هم‌چنین مهاجران برسد.

۲- جابه‌جایی جمعیت‌ها

قرن بیست میلادی شاهد جابه‌جایی‌های جمعیتی بسیاری بوده است. البته این یک مفهوم عام است که می‌تواند همه‌ی انواع جریان توده‌ای پناهجویان و تبعیدشده‌گان یا کسانی را که از یک ترور، یک رژیم، یک دولت یا یک ارتش گریخته‌اند، در بر گیرد. البته قابل یادآوری است که از نوع سیاست‌ها در قالب سیاست‌های قوم‌گرایی منفی هم در طول تاریخ در اکثر نقاط این جهان پهنای داشته‌ایم که مثال‌های گوناگون آن را در تاریخ نوشته شده کشورهای مناطق گوناگون جهان داشته‌ایم. اهل دانش و مطالعه از مثال‌هایی که مصداق این مفهوم است، حتماً در ذهن دارند. به طور نمونه تنها در پایان جنگ جهانی دوم، ۱۲ میلیون پناهجو به کشورهای آلمان و اتریش سرازیر شدند. اغلب این‌ها، آلمانی‌هایی بودند که از ترس ارتش اتریش گریخته بودند یا آلمانی‌هایی که به وسیله دولت‌های پولند، چکسلواکیا و... اخراج شده بودند. یک اقلیت ۸۵۰ هزار نفری از این رانده‌شده‌گان به وسیله

قرن بیست میلادی شاهد

جابه‌جایی‌های جمعیتی بسیاری

بوده است. البته این یک مفهوم

عام است که می‌تواند همه‌ی

انواع جریان توده‌ای پناهجویان

و تبعیدشده‌گان یا کسانی را

که از یک ترور، یک رژیم، یک

دولت یا یک ارتش گریخته‌اند،

در بر گیرد. البته قابل یادآوری

است که از نوع سیاست‌ها در

قالب سیاست‌های قوم‌گرایی

منفی هم در طول تاریخ در اکثر

نقاط این جهان پهنای داشته‌ایم

که مثال‌های گوناگون آن را در

تاریخ نوشته شده کشورهای

مناطق گوناگون جهان داشته‌ایم.

سازمان بین‌المللی پناهجویان تحت سرپرستی قرار گرفته و در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ در اروپای غربی، امریکا، استرالیا و اسرائیل سکان داده شدند. در هندوستان بیش از ۱۵ میلیون پناهجو در طول فرایند تقسیم کشور به هندوستان و پاکستان میان دو دولت جدید جابه‌جا شدند. اکثریت جابه‌جایی‌ها در اروپا به دلیل تعلقات قومی و ملی و در هند به دلیل تعلقات دینی انجام گرفته است.

۳- پاک‌سازی قومی و استعمار

پاک‌سازی قومی نخستین معنای عبارت صربی ETNIKO ASCENJE (که گاه آن را در معنای دومش «تصفیه» یا «تطهیر» قومی ترجمه کرده‌اند) یک ابداع مفهومی و لغوی است که به سال ۱۸۷۸ یعنی زمانی باز می‌گردد که مسوولان صرب تصمیم گرفتند ساکنان آلبانی‌تبار بیش از ۱۰۰ روستا را در مناطقی که به تازه‌گی به دست آورده بودند، پاک‌سازی کنند. این واژه و این عمل‌کرد با تشکیل دولت مستقل کرووات به سرکرده‌گی آنته پاولیچ در دستور روز قرار گرفت که در فاصله‌های زمانی ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ بوسنی‌ها را از ساکنان صرب آن تصفیه کند؛ کاری که به بهای قربانی شدن نزدیک به یک میلیون تن تمام شد. هرچند عبارت پاک‌سازی قومی جدید بوده و به زبان صربی - کرواتی مربوط می‌شود، اما آیا ما همواره در طول تاریخ در حوزه‌های زیست ما با چنین عمل‌کردی روبه‌رو نبوده‌ایم؟ می‌توان این پرسش را مطرح کرد که در واقع خصوصیت پاک‌سازی نژادی نسبت به سایر اشکال جنگ، فتح و استیلا از طریق ایجاد ترور و وحشت چیست؟ بی‌شک، این اختلاف را نمی‌توان در روش‌ها جست.

پاک‌سازی قومی هدفی بسیار دقیق‌تر و پایدارتر را دنبال می‌کند: گرفتن سرزمین دیگری و به احتمال زیاد اموال و ثروتی که در این سرزمین یافت می‌شود، بدون افراد آن سرزمین. بنابراین پاک‌سازی قومی دست به نابودی یا بیرون راندن کامل این افراد می‌زند. پاک‌سازی قومی پیش از هر چیز ناشی از تمایل به توسعه سرزمینی و استعمار کامل است که به نام قدرت بیش‌تر، عظمت بیش‌تر، قدمت و ریشه‌دارتر بودن یا به زبان امروزی، توسعه‌یافته‌تر بودن و به زبان اقوامی که مزاحم، عقب‌مانده و از لحاظ تاریخی محکوم شمرده می‌شوند، انجام می‌گیرد. در نهایت پاک‌سازی قومی پنداره دولت ملی را در خود حمل می‌کند، با این تفاوت که برای تحقق این امر از روش‌ها و شیوه‌هایی استفاده می‌کند که به دوره‌های باستان تعلق دارد.

در تمام دروانی که اروپا توسعه خود را در

سرزمین‌های مستعمره انجام می‌داد، دکتورین عمومی را بر پایه دو مفهوم «ناکجا‌آباد» و «قلمرو تهی» استوار می‌ساخت که بنا بر آن به استعمار درآوردن و تملک سرزمین‌های همه قبایل و اقوامی که نمی‌توانستند مالکیت خود را بر آن سرزمین‌ها بر اساس سند مکتوب نشان دهند، جایز می‌دانستند. این امر باعث شد که رفته‌رفته گروه‌های بزرگ مردمی را از سرزمین‌های نیاکان‌شان بیرون برانند و به این ترتیب نوعی پاک‌سازی قومی انجام دهند که بر پایه‌ی آن بسیاری از جوامع استعماری و دولت‌های مدرن جانشین آن‌ها به وجود آمدند.

۴- نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت

بعد از ایجاد و تاسیس سازمان ملل متحد، این سازمان در سال ۱۹۴۸ پیمان‌نامه‌ای را جهت پیش‌گیری و مبارزه با جنایت نسل‌کشی به تصویب رساند. ضربات وارد شده به انسجام گروه‌های ملی، قومی، نژادی و دینی موضوعاتی بود که این پیمان‌نامه در خود گنجانیده بود. به این ترتیب واژه «نسل‌کشی» جرم تلقی شد که در مقوله «جنایات علیه بشریت» بنا بر تعریف منشور محکمه بین‌المللی نورنبرگ در ۸ اگست ۱۹۴۵ قرار گرفت که به همین دلیل باطل ناشدنی بوده و تحت مرور زمان نظر به قواعد حقوقی قرار نمی‌گیرد و هر قدر هم که از مدت انجام جنایات یا جنایت علیه بشریت که یکی از آن‌ها نسل‌کشی است سپری شود، باز هم مورد پی‌گرد قانونی قرار می‌گیرد. این جنایات شامل از بین بردن کامل یا بخشی از یک جمعیت، تبعید یا پراکندن آن و تحمیل شرایط خاص بر آن که موجودیت فیزیکی یا روانی یا تولید مثل طبیعی‌اش را به خطر اندازد، می‌شود. هرچند تبیین مفهوم نسل‌کشی مستقیماً از تحلیل جنایات رژیم هیتلری شده بود، با وجود این پروفیسور لمکین که بنیان‌گذار واژه نسل‌کشی در سال ۱۹۴۶ است، در این زمینه قتل عام‌ها و تبعیدهای ارمنیان به دست ترک‌ها در سال ۱۹۱۵ را نیز مطالعه کرده بود. این حوادث در واقع سابقه شناخته شده‌ای برای برنامه‌ریزان راه حل نهایی به شمار می‌آمد و نازی‌ها از همان روش‌ها برای مخفی‌سازی و در نتیجه به دست آوردن فراموشی و فرار از مجازات استفاده کردند.

۵- تبعید و نابودی کلی یا گزینشی

تبعید و نابودی گروه‌های قومی در چارچوب نسل‌کشی‌ها ممکن است شامل تمام مردم یا بخش‌های گزینش‌شده‌ای از آن‌ها شود. تبعید جمعیت‌های بزرگ بدون نابودی عمومی اما نابودی گزینشی یا حتا به ساده‌گی با پراکندن جمعیت و بدرفتاری‌های عمومی نیز نوعی نسل‌کشی به حساب می‌آید. در قالب راه حل نهایی در سال ۱۹۴۲ توسط رژیم هیتلری حدود شش میلیون یهودی و هم‌چنان به عنوان پست شمردن جمعیت کولی‌ها نزدیک به نیم میلیون کولی به کام مرگ روانه شدند. اقدام‌های تبعیدی هم در نظام استبدادی شوروی سابق به رهبری استالین که بیش‌تر فنلاندی‌ها را در بر می‌گرفت، در سال ۱۹۴۰ صورت گرفت که قبل از وارد شدن به جنگ جهانی دوم بود. این یورش‌ها به اقوام، که به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه هشدار یا محاکمه‌ای انجام می‌شد و شرایط انتقال آن‌ها به تبعیدگاه که بدون هیچ امکاناتی و در بدترین وضع ممکن انجام می‌گرفت، سبب می‌شد که بخش بزرگی از آن‌ها، شاید نزدیک به نیمی از ایشان، در این جابه‌جایی از بین بروند. پس از رسیدن به تبعیدگاه نیز زنده ماندن آن‌ها در شرایط بسیار سخت آن نقاط، بسیار مشکل بود. بنابراین در این‌جا می‌توانیم از نوعی نسل‌کشی مشخص نام ببریم.

ادامه در صفحه ۷

شیوه‌های منفی سیاست قوم‌گرایی

۶- انتقال و مبادله جمعیت‌ها

بنا بر موافقت‌نامه‌های منعقد شده میان دو یا چند دولت مبنی بر انتقال یا مبادله جمعیت، این کار شکلی از جابه‌جایی است که ظاهراً منظم‌تر به نظر می‌رسد. این روش، منشأ شرقی دارد. در امپراطوری‌های شرقی جمعیت‌های انسانی هم‌چون دام‌های ارزش‌مند حمایت و حفاظت می‌شدند. در زبان ترکی، واژه «رعایا» به مجموعه مردمانی با ملیت‌های گوناگون اطلاق می‌شد که درون حکومت امپراطوری عثمانی قرار داشتند. چنین گروه‌هایی، توده‌های بزرگی را تشکیل می‌دادند که با نخبه‌گان عثمانی در تقابل بودند و «سورگون» واژه‌ای بود که به جابه‌جایی توده‌ها اطلاق می‌شد. این همان روشی بود که از مدت‌ها پیش در میان امپراطوری‌های بیزانس، مغول و عثمانی رایج بود و تحت نفوذ عثمانی‌ها در اروپای مدرن، یعنی بالکان و روسیه جنوبی، در قرن ۱۸ نیز ظاهر شد.

بعدها، این عمل تبدیل به جابه‌جایی دوسویه یا تبادل اتباع شد. برای نمونه، پس از جنگ‌های بالکانی (پیمان بخارست، ۱۹۱۳) و جنگ یونان-ترکیه (پیمان لوزان، ۱۹۲۳) یا پس از پیمان‌های ویژه جابه‌جایی اتباع در ۱۹۲۵ و ۱۹۳۶ بین ترکیه، بلغارستان و رومانی، ۲۷۰ هزار بلغار، ۵۵۰ هزار ترک و ۱٫۳ میلیون یونانی جابه‌جا شدند که در حقیقت این امر خود نشان‌دهنده انتقال و مبادله جمعیت‌ها و یکی از شیوه‌های منفی قوم‌گرایی است.

۷- اردوگاه‌های کار اجباری

قرن بیستم در آفرینش روش‌ها و مفاهیم بی‌رحمی، وحشت و ضدیت با انسان بسیار پر بار بوده است؛ قرن‌ها که با تحمیق گسترده توده‌ها همراه بوده، به ابداع روشی خاص برای اسارت در طول جنگ کیوبا (۱۹۹۵-۱۹۹۸) و در فرایندی که «ترور اسپانیایی» نامیده می‌شد، ایجاد شد و تلاشی بود برای حفظ آخرین مستعمرات اسپانیایی. اما اردوگاه‌ها پس از این زمان به وسیله ارتش بریتانیا نیز به کار گرفته شد. چند سال بعد در شوروی در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان «تجدید آموزش به وسیله کار» به نهادهای اساسی رژیم می‌بدل شد که پایه آن بر دستگیری همه‌ی افراد و گروه‌ها و مردمان مظنون به مخالفت و استفاده از کار اجباری آن‌ها بود. این نهاد و کارکردهای عملی این نهاد در راستای بازداشت و فرستادن به اردوگاه‌های کار اجباری در آلمان نیز توسط رژیم نازی تقلید شد و در عمل پیاده گردید و در سراسر حاکمیت این رژیم تعمیم یافت. بعدها در رژیم‌های نازی و استالینی در آلمان و شوروی به شکل سرسام‌آور به میزان بالایی از افراد در این اردوگاه‌ها مشغول کار بودند. تخصص این اردوگاه‌ها در نابود ساختن گروه‌های قومی، خاص بود. البته فراموش نکنیم که در اردوگاه‌های عادی روسی و آلمانی نیز افراد به سادگی از ناتوانی بر اثر کار زیاد، بدرفتاری و گرسنگی هلاک می‌شدند، نظیر

وضعیتی که امروز هنوز در مجموعه [اردوگاه] چینی لایوگای دیده می‌شود. کشورهای چون فرانسه در سال‌های ۱۹۳۹ برای تبعید و نگهداری به گفته خودشان جاسوسانی که برای رژیم هیتلری کار می‌کردند و اردوگاه‌های آمریکا در سال ۱۹۴۱ که جهت نگهداری جمعیت جاپانی-آمریکایی به وجود آورد، نیز از این روش استفاده کرده‌اند.

جمع‌بندی

شیوه‌های مختلف سیاست‌های منفی قومی یا قوم‌گرایی منفی که به چند شیوه از آن در این مقاله اشاره داشتیم، بیش‌تر میراث‌هایی است که از دوران‌های مختلف تاریخی از یک جامعه به جامعه دیگر بنا بر دلایل متعدد و عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منتقل گردیده است. این امر خود نشان‌دهنده این است که باید از دید جامعه‌شناسی عمومی از نقطه نظر قوم و قبیله که اساس و بنیاد ساخت‌وسازهای جوامع ابتدایی است، به موضوع قوم‌گرایی و راه‌کارهای اساسی برای زدودن و جلوگیری این نوع سیاست‌ها پرداخت. در عین حال به جهت این‌که این طرز سیاست منفی قومی از مجرای مختلف به خصوص از طریق‌های سیاسی و اقتصادی به جوامع دیگر منتقل شده است و امروزه به شیوه‌ها مختلف در کشورها در حال تطبیق است، از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی نیز باید به آن پرداخته شود. بنابراین میراثی بودن این پدیده در اقوام یا هم منتقل شدن این پدیده توسط استعمار به جوامع دیگر خود نشان‌دهنده این موضوع است که امروزه در مجموع نوع نسبت میان سیاست و قومیت در اکثر جوامع به بحران سیاسی و قومی مبدل شده است. در عین حال باعث استمرار و دوام‌دار شدن بحران‌های دیگر نیز شده است. از آن‌جایی که اکثر جوامع در شرق به خصوص در حوزه جنوب آسیا هنوز از ماهیت‌های قبیله‌ای متأثرند، این موضوع باعث مباحث بحران‌زا و حتا باعث برخوردها می‌شود؛ چون از همان احساسات ناسیونالیسم قومی به پدیده سیاست نگریسته می‌شود و ناشی از احساسات و عصبیت در آن است. به قول ابن خلدون «زنده‌گی قبیله‌ای پیوسته همراه با حسی به نام عصبیت است». بنابراین تعمیق و گسترش سیاست‌های قومی امری است که بدبختانه شیرازه حیات جمعی جوامع را در معرض خطرات جدی قرار می‌دهد و پیش‌رفت را در آن جامعه با تأخیر مواجه می‌سازد. پس باید در راستای سیاست‌های قومی در مجموع و سیاست‌های منفی قوم‌گرایی به طور خاص توجه جدی شود و برای جلوگیری از آن اقدامات عملی به عنوان جامعه‌بیدار و آگاه از خطرات و عواقب چنین مخلوط منفی، صورت بگیرد تا از استمرار و گسترش سیاست‌های مبتنی بر قومیت که یکی از عوامل عمده و مانع بزرگ سر راه ملت شدن و توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، جلوگیری به عمل آید.



تاریخ نشر اعلان: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹

تاریخ ختم اعلان: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

موضوع: اعلان دوباره دعوت به داوطلبی

عنوان: تهیه و تدارک اجناس مورد نیاز لابراتوار و یونت های تغذی برای چهار شفاخانه در کابل.

مؤسسه تقویه حکومتداری افغانستان از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی تهیه و تدارک اجناس مورد ضرورت لابراتوار و یونت های تغذی در شفاخانه های علی آباد، میوند، صحت طفل اندراگانندی و رابعه بلخی در کابل تحت شماره داوطلبی (R-EU/GIA/ G001B) تحت قرارداد بالمقطع اشتراک نموده و آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و قانون و طرزالعمل تدارکات عامه ج.ا. بعد از نشر اعلان الی تاریخ ۲۹ سرطان سال ۱۳۹۹ ارایه نمایند. حصول شرطنامه از آدرس‌های:

مدیریت مالی مؤسسه تقویه حکومتداری افغانستان در اوقات رسمی.

سایت اکبر: www.acbar.org

و از سایت: www.gia.af قابل دریافت می‌باشد.



تاریخ نشر اعلان: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹

تاریخ ختم اعلان: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

موضوع: اعلان دوباره دعوت به داوطلبی

عنوان: تهیه و تدارک ملزومات طبی مورد نیاز لابراتوار و یونت های تغذی برای چهار شفاخانه در کابل.

مؤسسه تقویه حکومتداری افغانستان از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی تهیه و تدارک ملزومات طبی مورد ضرورت لابراتوار و یونت های تغذی در شفاخانه های علی آباد، میوند، صحت طفل اندراگانندی و رابعه بلخی در کابل تحت شماره داوطلبی R- EU/GIA/ G001A تحت قرارداد بالمقطع اشتراک نموده و آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و قانون و طرزالعمل تدارکات عامه ج.ا. بعد از نشر اعلان الی تاریخ ۲۹ سرطان سال ۱۳۹۹ ارایه نمایند. حصول شرطنامه از آدرس‌های:

مدیریت مالی مؤسسه تقویه حکومتداری افغانستان در اوقات رسمی.

سایت اکبر: www.acbar.org

و از سایت: www.gia.af قابل دریافت می‌باشد.



دکتره‌نی، اوبولگولومالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G/...../99

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی تهیه و تدارک تهیه و تدارک اجناس و وسایل کنترل حریق جنگل ضرورت ریاست جنگلات اشتراک نموده و نقل شرطنامه مربوط را در فلش دسک (حافظه) بشکل رایگان از ریاست تهیه و تدارکات، تعمیر معینیت مالی و اداری وزارت زراعت، آبیاری و مالداری بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۱۳۹۹/۴/۳۰ به دفتر جلسات ریاست تهیه و تدارکات، منزل اول تعمیر معینیت مالی و اداری ارائه نمایند. آفر های ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ ۵۸۰,۰۰۰/۰۰۰ پنجمصد هشتاد هزار افغانی بوده، جلسه پیش آفرگشایی مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر و جلسه آفر گشایی مورخ ۱۳۹۹/۴/۳۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفر گشایی ریاست تهیه و تدارکات تدویر می‌گردد.

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرمهر
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سانجر سهیل
مدیرمسوول: سانجر سهیل
معاون مدیرمسوول: وحید پیمان
خبرنگاران: خلیل اسیر، علی‌شاه حقمیل، عبدالاحمد حسینی، حبیب بهش، سیدحسن حسینی و محمدحسین نیک‌خواه
ویراستار: علی نظری، س.نوین

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Sanjar Sohail
sanjarsohail@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

پاکستان هنوز هم بستر امن هراس افگنی در جهان است

منبع: اسوشیتد پرس

نوشته: کتی گنون

برگردان: سیدجمال اختر

در گزارش سالانه وزارت خارجه امریکا در مورد تروریسم آمده است که پاکستان برای سرکوب گروه‌های تروریستی به ویژه گروه‌های ضد هند و شبکه مخوف حقانی که در افغانستان فعالیت دارد، اقدام اندکی کرده است. اسلام‌آباد از گزارش سالانه وزارت خارجه امریکا انتقاد کرده می‌گوید که این گزارش تلاش‌های پاکستان در امر امضای توافق‌نامه با طالبان را به شکل بی‌انصافانه‌ای نادیده گرفته است، در حالی که این موافقت‌نامه طی چهار دهه جنگ در افغانستان بهترین زمینه را برای دستیابی به صلح دایمی در این کشور مهیا ساخته است. امیر رانا، مدیر اجرایی انستیتوت مطالعات صلح پاکستان و آگاه مسایل تروریسم و گروه‌های تروریستی، می‌گوید: «این گزارش هشدار است برای پاکستان تا برای

جلوگیری از قرار گرفتن در لست سیاه سازمان پول‌شویی جهانی و دیده‌بان تامین مالی تروریسم که مقر آن در پاریس است، شبکه‌های تروریستی و منابع تمویل مالی آن‌ها را هدف قرار داده از بین ببرد». پاکستان که در سال ۲۰۱۸ شامل فهرست خاکستری جهانی نیروی عملیاتی مالی برای مقابله با پول‌شویی (FATF) قرار گرفته بود، پس از گذاشتن یک سلسله شرایط از سوی آن سازمان یک فرصت دیگر برای این کشور برای توقف فعالیت‌های تروریستی گروه‌های شبه‌نظامی در خاک آن کشور داده شد. اگر پاکستان شامل لست سیاه این سازمان شود، شرایط وام‌گیری بین‌المللی این کشور به شدت محدود خواهد شد. رانا افزود: «لحن گزارش امسال واکنشگتن نسبت به سال گذشته جدی‌تر است؛ این یک هشدار جدی برای پاکستان است تا تلاش‌های خود را در امر سرکوب گروه‌های تروریستی که در خاک آن کشور فعالیت دارند، بیش‌تر سازد و از وارد شدن نام این کشور به لست سیاه جلوگیری کند».

وزارت خارجه پاکستان روز پنج‌شنبه طی اعلامیه‌ای، گزارش سالانه ایالات متحده را ناامیدکننده خواند. به گفته رانا، پاکستان بعضی از سران گروه‌های تروریستی مانند حافظ سعید، رهبر گروه لشکر طیبه را گرفتار کرده، ولی تا هنوز محل بودوباش سایر تروریست‌ها چون مولانا مسعود اظهر، رهبر گروه جیش محمد که مسوولیت حمله خونین بالای نیروهای هندی را در منطقه کشمیر زیر کنترل هند برعهده گرفت، نامعلوم است. رانا می‌گوید: «ده‌ها عضو شبه‌قاره آسیای شبکه القاعده طی ماه‌های گذشته در ایالت پنجاب پاکستان دستگیر گردیده که هفته گذشته از سوی محکمه ضد تروریسم این کشور محکوم به حبس طولیل شدند که این امر نشان‌دهنده تمایل پاکستان در امر مبارزه با گروه‌های شبه‌نظامی است». در اعلامیه وزارت خارجه پاکستان آمده است که القاعده در منطقه از هم فروپاشیده است، ولی نقش پاکستان در امر فروپاشی این گروه که زمانی تهدید جدی برای جهان محسوب می‌شد، نادیده گرفته شده است.

وزارت خارجه پاکستان نقش این کشور در راستای امضای توافق‌نامه صلح ایالات متحده با طالبان را سازنده می‌داند. مقامات پاکستانی در مورد یافته‌های گزارش سالانه ایالات متحده به اسوشیتد پرس به شرطی که از آن‌ها نام برده نشود، گفته‌اند: ایالات متحده از جانبی می‌خواهد تا پاکستان روابط خود را با طالبان افغان چون حقانی قطع کند، ولی از جانب دیگر می‌خواهد اسلام‌آباد از نفوذ خویش بالای رهبران طالبان بالای میز مذاکره استفاده کند. رانا می‌گوید این رابطه‌ی چنددهه‌ای پاکستان با شبکه حقانی از سال ۱۹۸۰ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی بالای افغانستان حمله کرد می‌باشد که امریکا را در پیش‌برد مذاکرات صلح با تحریک طالبان کمک کرده است. گفته می‌شود مرحله بعدی مذاکرات صلح یا مذاکرات بین‌الافغانی قرار است در ماه جنوری در قطر، جایی که طالبان دفتر سیاسی دارند، برگزار شود.

تاریخچه انتخابات در ایالت اکلاهامای امریکا



کیوان شکوری

جمهوری خواهان و یک نماینده از حزب Free Silver می‌باشد. اگر بخواهیم کمی دقیق‌تر این انتخابات را بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که گرایش مردم به احزاب هر از چند سالی تغییر کرده است. به طور مثال تا قبل از سال ۱۹۲۷ دو حزب دموکرات و جمهوری خواه نزدیک به هم در حرکت بودند، اما از ۱۹۲۷ تا ۱۹۶۷ به مدت ۴۰ سال دموکرات‌ها ۲۷ نماینده و جمهوری خواهان شش نماینده داشته‌اند. بعد از این تاریخ مردم این ایالت در انتخابات نماینده‌گان مجلس کم‌کم به سمت جمهوری خواهان چرخش کردند، به طوری که در ۲۰ سال اخیر از ۱۳ نماینده انتخاب شده در این ایالت ۱۰ نماینده جمهوری خواه و سه نماینده دموکرات انتخاب شده‌اند. هم اکنون از پنج کرسی ایالت اکلاهاما در مجلس نماینده‌گان آمریکا، چهار کرسی سهم جمهوری خواهان و یک کرسی سهم دموکرات‌ها است. اما در مورد انتخابات فرمان‌داری‌ها، مردم اکلاهاما از سال ۱۹۰۷ تاکنون ۲۸ فرماندار انتخاب کرده‌اند که بعضی از اینها دو دوره این مسوولیت را برعهده داشته‌اند. از این تعداد ۲۲ تن دموکرات و شش تن جمهوری خواه بوده‌اند. از سال ۱۹۰۷ الی ۱۹۶۳ دموکرات‌ها برنده همه‌ی ۱۷ دور انتخابات برگزار شده برای فرمان‌داری‌ها بوده‌اند؛ اما از سال ۱۹۶۳ رقابت بین دو حزب نزدیک شد و از سال ۲۰۱۱ تاکنون که ۲۰۲۰ میلادی است، جمهوری خواهان برنده هر سه دور انتخابات برگزار شده برای تعیین فرمان‌دار بوده‌اند. فرمان‌دار کنونی Kevin Stitt از حزب جمهوری خواه است.



ایالت اکلاهاما در جنوب امریکا به مرکزیت شهر اکلاهاما سیتی از تاریخ نوامبر ۱۹۰۷ به عنوان چهل‌وششمین ایالت به ایالات متحده امریکا پیوست. طبق آخرین سرشماری جمعیت این ایالت ۳۹۵۶۹۷۱ تن است. بردپیت، بازیگر و تهیه‌کننده امریکایی، گوردن کوپر، فضانورد امریکایی و گارث بروکس، خواننده سبک کانتری، از شخصیت‌های مشهور این ایالت می‌باشند.

از سال ۱۹۰۷ تا به امروز که سال ۲۰۲۰ است، ۲۸ دوره انتخابات ریاست جمهوری امریکا در این ایالت برگزار شده است، که از این تعداد ۱۰ دوره حزب دموکرات و ۱۸ دوره حزب جمهوری خواه امریکا برنده انتخابات در این ایالت شده‌اند. نکته‌ای که باید درباره این انتخابات به آن اشاره کرد، این است که جمهوری خواهان از سال ۱۹۶۸ تا به امروز برنده هر ۱۳ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده در این ایالت بوده‌اند.

در انتخابات داخلی سال ۲۰۱۶ برای تعیین کاندیدای نهایی از حزب جمهوری خواه، تدرکوز با ۳۴.۴ درصد آرا موفق به شکست دونالد ترمپ با ۲۸.۳ درصد آرا در این ایالت شد.

در حزب دموکرات و برای تعیین کاندیدای نهایی برنی سندرز با کسب ۵۱.۹ درصد آرا، موفق به شکست هیلاری کلینتون با ۴۱.۵ درصد آرا در این ایالت شد. در انتخابات نهایی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ دونالد ترمپ با کسب ۶۰.۶ درصد آرا موفق به شکست هیلاری کلینتون با ۳۳.۷ درصد آرا در این ایالت شد. در انتخابات نهایی ریاست جمهوری امریکا هرکدام از کاندیداها از مجموع ۵۳۸ رای الکترال موفق به کسب ۲۷۰ الکترال بشود، برنده انتخابات است و رای الکترال ایالت اکلاهاما برای انتخابات ریاست جمهوری هفت است.

مراحل انتخابات ریاست جمهوری:

هر کس که در امریکا به دنیا آمده باشد و ۱۴ سال متوالی در امریکا زنده‌گی کرده باشد و حداقل ۳۵ سال سن داشته باشد، می‌تواند در انتخابات نامزد شود. ولی اگر شخصی بخواهد از طرف حزبی نامزد شود، باید ابتدا در پروسه درون حزبی (انتخابات مقدماتی) آن حزب که طبق قوانین درونی آن حزب است، شرکت کند که در صورت موفقیت در آن پروسه، به عنوان نامزد آن حزب معرفی می‌شود. هریال در مجلس سنا دارای دو سناتور است که برای حداقل یک دوره شش‌ساله انتخاب می‌شوند و محدودیت

دوره‌ای برای کاندیدا شدن و شرکت در انتخابات ندارند. برای شرکت در انتخابات سنا، نیاز به شرایط زیر است:
 ۱- حداقل ۳۰ سال سن؛
 ۲- دارا بودن حداقل ۹ سال تابعیت ایالات متحده امریکا؛
 ۳- سکونت در ایالت مورد نظر در زمان برپایی انتخابات. از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۹۱۳ میلادی، سناتورهای هر ایالت توسط مجلس قانون‌گذاری همان ایالت انتخاب می‌شدند. از سال ۱۹۱۳ و با تصویب اصلاحیه هفدهم قانون اساسی، وظیفه انتخاب سناتورها به طور مستقیم به شهروندان واگذار شد.
 از سال ۱۹۰۷ تا این تاریخ یعنی ۲۰۲۰ میلادی مردم اکلاهاما ۱۹ سناتور انتخاب کرده‌اند که از این تعداد ۱۰ تن دموکرات و ۹ تن جمهوری خواه بوده‌اند و بعضاً بیشتر از یک دوره در این مقام بوده‌اند که برای نمونه می‌توان از سناتور J.W. Elmer از حزب دموکرات بین سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۵۱ با چهار دوره و یا سناتور Don Nickles از حزب جمهوری خواه بین سال‌های ۱۹۸۱ الی ۲۰۰۵ با چهار دوره سناتوری نام برد. جمهوری خواهان از سال ۱۹۹۴ برنده هر دو چوکی ایالت اکلاهاما در مجلس سنا امریکا می‌باشند. هم اکنون James Lankford و James M. Inhofe هر دو از حزب جمهوری خواه

سناتورهای اکلاهاما هستند. اعضای مجلس نماینده‌گان امریکا هر دو سال یک بار انتخاب می‌شوند و شرکت آن‌ها در این انتخابات نامحدود است. با توجه به جمعیت ایالت‌ها تعداد نماینده‌گان ایالت‌ها متفاوت است و هر ۱۰ سال با سرشماری آماری تغییر می‌کند. برای شرکت در انتخابات مجلس نماینده‌گان نیاز به شرایط زیر است:
 ۱- حداقل ۲۵ سال سن؛
 ۲- دارا بودن حداقل هفت سال تابعیت ایالات متحده امریکا؛
 ۳- سکونت در ایالت مورد نظر در زمان برپایی انتخابات. اکلاهاما قبل از پیوستن به امریکا، تحت‌الحمايه این کشور بود و به همین علت از سال ۱۸۹۰ میلادی دارای نماینده در مجلس نماینده‌گان امریکا می‌باشد. اما تا قبل از پیوستن به ایالات متحده امریکا، نمایندگان آن حق رای نداشتند. از سال ۱۸۹۰ الی ۲۰۲۰ میلادی تعداد ۸۸ نماینده برای این ایالت انتخاب شده‌اند که بعضی مانند Frank Lucas از حزب جمهوری خواه برای چند دوره متوالی از سال ۱۹۹۴ تا کنون در این مقام می‌باشند. از این تعداد ۵۱ نماینده سهم دموکرات‌ها و ۲۶ نماینده سهم

نتیجه‌گیری:

در تاریخ انتخابات ایالت اکلاهاما جمهوری خواهان دست بالا را در انتخابات ریاست جمهوری در این ایالت دارند. هم‌چنین دموکرات‌ها هم دست بالا در انتخابات مجلس نماینده‌گان و فرمان‌داری‌ها دارند. در مورد سنا هم طبق آمار ارائه شده تقریباً برابر اند. ولی اگر بخواهیم بنا بر آمار نتیجه‌گیری کلی بکنیم، این ایالت بین ۱۵ الی ۲۰ سال اخیر چرخش زیادی به سمت جمهوری خواهان داشته و هم اکنون به غیر از یک کرسی مجلس نماینده‌گان، بقیه چهار کرسی این مجلس و دو کرسی سنا و فرمان‌داری و برنده آرای انتخابات ریاست جمهوری در حوزه این ایالت همه از حزب جمهوری خواه می‌باشند.